

فصلنامه راهبرد سیاسی  
سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۶  
صفحات: ۸۱-۱۱۸  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۰۹؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۶/۱۲

## آثار و پیامدهای حضور و ظهور گروه‌های افراطی در تحولات امنیتی غرب آسیا در بستر جهانی شدن (با تاکید بر داعش)

دکتر محسن دیانت\* حامد روشن چشم\*\*

### چکیده

رشد گروه افراطی‌گری در غرب آسیا حاکی از تحولی نوین در مناسبات منطقه‌ای و معادلات امنیتی منطقه‌ای است. شکل‌گیری داعش و گسترش آن در ابعاد گوناگون نشان از این امر دارد که مباحث امنیتی منطقه‌ای از حالت سنتی و بین‌دولتی خود خارج گردیده و گستره فرودولتی و فرا دولتی به خود گرفته است. فارغ از این مسئله در نگاه به پدیده داعش و تحولات منطقه‌ای شاهد بهره‌گیری داعش از فرآیند جهانی شدن در شکل‌گیری منطقه‌ای و جذب نیروهای فرا منطقه‌ای می‌باشیم. این فرآیند علاوه بر جنبه تبلیغاتی ابعاد ایدئولوژیک و خودآگاهی را نیز در بر می‌گیرد. هدف از پژوهش حاضر بررسی و نشان دادن تحول مباحث امنیتی ناشی از گسترش گروه‌های تروریستی است. سؤال اصلی پژوهش این است که چه آثار و پیامدهای در مسائل امنیتی منطقه غرب آسیا با توجه به شکل‌گیری داعش در فرآیند جهانی شدن، صورت پذیرفته است. فرضیه پژوهش بیانگر شکل‌گیری و استقلال عمل گروه داعش ناشی از فرآیند جهانی شدن باعث تحول مسائل امنیتی از میان‌دولتی به تهدیدات فرا دولتی در منطقه غرب آسیا گردیده است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی در کنار بهره‌گیری از اسناد و متون معتبر حاکی از این است که داعش با بهره‌گیری از تحولات در زمینه تکنولوژی ارتباطی و تاثیرات ایدئولوژیک ناشی از جهانی شدن باعث تحول در مسائل امنیتی منطقه‌ای به سوی شکل‌گیری گروه‌های موردی فرو دولتی و فرا دولتی و کاهش نقش دولت‌ها شده است.

### کلید واژه‌ها

داعش، خاورمیانه، امنیت، جهانی شدن، ژئوپلیتیک.

\* استادیار علوم سیاسی دانشگاه پیام نور

\*\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

## مقدمه

خاورمیانه از مهمترین مراکز منازعه و مناقشه آمیز جهان محسوب می‌شود. این منطقه همواره از زمان شکل‌گیری آن به عنوان یک منطقه و وضعیت نظامی تعریف گردیده است. این منطقه تا سال‌های پایانی قرن بیستم و سال‌های آغازین قرن ۲۱ درگیر منازعات طولانی و بسیاری بوده است. شاید آمار جنگ‌های میان سال‌های ۱۹۶۲ تا ۱۹۹۵ که بالغ بر ۴۰ درگیری است، نمونه‌ای از این واقعیت می‌باشد. مطالعه تاریخ و سال‌های گذشته خاورمیانه بسیار تکان دهنده است. جنگ ایران و عراق، اشغال کویت توسط عراق، جنگ‌های طولانی مدت اعراب و اسرائیل، حمله نظامی آمریکا به منطقه، جنگ‌های داخلی، حملات تروریستی در داخل کشورها در کنار پویش‌های جدید اجتماعی و سرکوب جنبش‌های اجتماعی حاکی از بی‌قراری و وضعیت اسفبار امنیتی در منطقه است. اختلافات مرزی و سرزمینی، اختلافات قومی-مذهبی، تعارضات ایدئولوژیک، نفت و دخالت قدرت‌های بزرگ از جمله عوامل تاثیرگذار بر پویش‌های امنیتی خاورمیانه به شمار می‌روند. تمامی این مسائل منجر به باز تولید معضل امنیتی خاورمیانه و مناقشات آن گردیده است و تاثیرات عظیمی بر مسائل امنیتی غرب آسیا داشته است. به عبارت بهتر منطقه غرب آسیا یک منطقه امنیتی شده از آغاز پیدایش آن است. گفتمان تنازع و درگیری در طول سالیان دراز در این منطقه تولید و با شکل‌گیری دولت‌های ملی و احساسات ناسیونالیستی در کنار هویت‌های قومی-مذهبی بیش از پیش پیچیده گردیده است.

از جهتی دیگر شکل‌گیری فرآیند دولت و ملت‌سازی و ناسیونالیسم ملی در منطقه غرب آسیا باعث تحول مباحث امنیتی از درون دولت‌ها به میان دولت‌ها در قالب درگیری مرزی شد. ناسیونالیسم توانست تا حدودی احساسات فروملی در قالب مذهبی و قومی را فرونشاند و به صورت ملت واحد باعث همگرایی میان گسل‌های مذهبی-قومی شود. در این حالت منافع ملی و قدرت ملی از اهمیت بسزایی در فرآیند و پویش‌های امنیتی ایفاء کرد. شکل‌گیری مجموعه‌های امنیتی در قالب اتحادهای نظامی مانند شورای همکاری خلیج فارس- و تشکیل در حقیقت خاورمیانه و منطقه غرب آسیا در این دیدگاه یک منطقه امنیتی شده در اثر باز تولید رقابت‌های ملی و درگیری میان دولتی بود. این شرایط منجر به کم‌رنگ شدن فرآیندهای گریز از مرکز ناشی از تکثر هویت‌ها در منطقه گردید. نقش عوامل برون‌گفتمان به خصوص قدرت‌های بزرگ خارجی در مفصل بندی این نوع گفتمان امنیت در خاورمیانه حائز اهمیت است.

هدف از این اقدام تولید فهم قدرت ملی با محوریت قدرت نظامی جهت حفظ موقعیت برتر ابرقدرت‌ها در نظام بین‌الملل است. از این رو، شکل‌گیری مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای و رقابت‌های میان دولت‌ها در قالب موازنه قوا، چیزی بیش از تاکید بر جایگاه قدرت‌های بزرگ نظامی نخواهد بود. این در حالی است که پویای‌های اجتماعی و جامعه‌شناختی ناشی از فرآیند جهانی شدن منجر به افزایش خودآگاهی اجتماعی و کاهش نفوذ دولت‌ها شده است و مسائل جدید امنیتی - به خصوص در منطقه خاورمیانه - به همراه داشته است. کاهش قدرت دولت‌ها نفوذ‌پذیری مرزهای ملی افزایش کنش‌های اجتماعی در پرتو تحولات تکنولوژیکی و ارتباطات امکان عمل مستقل اجتماعی و گروه‌های فراملی را به همراه داشته است.

همانگونه که هرگونه تحول اجتماعی به همراه ظرفیت‌های جدید معیوبی نیز به همراه دارد، شکل‌گیری گروه‌های فراملی تروریستی از جمله این موارد به شمار می‌رود. افزایش آگاهی، دستیابی به منابع قدرت، امکان بسیج و سازماندهی سریع گروه‌ها و فعال شدن گسل‌های قومی - مذهبی شرایط اقدام مستقل آنها را فراهم آورده است. از این رو، فرآیند جهانی شدن در کنار افزایش خودآگاهی و پویای‌های نوین اجتماعی<sup>۵</sup> همانطور که در قالب حرکت‌های اجتماعی و دموکراتیک خواهی در منطقه شاهد هستیم - که باعث فروپاشی دولت‌های مستبد و توسعه سیاسی و اجتماعی گردید، فعال شدن گسل‌های قومی و بهره‌گیری از تعصبات بنیادگرایی گروه‌های افراطی را نیز به همراه دارد. از دیدگاه دیگر فرآیندهای جهانی شدن به علت کاهش نقش دولت‌ها و نفوذ‌پذیر شدن مرزهای ملی<sup>۶</sup> از طریق تکنولوژی ارتباطاتی، نقش شرکت‌ها و گروه‌های فراملی - فهم امنیتی را به نوعی دچار تحول کرده است. شکل‌گیری گروه‌های تروریستی یکی از این تأثیرات به شمار می‌رود. به عبارت بهتر، گروه‌های فراملی تروریستی با استفاده از امکانات ایجاد شده در کنار تضعیف دولت‌ها در قالب کاهش کنترل آنها مسائل امنیتی را از دگیری‌های میان مرزهای ملی و کشورها به سوی شکل‌گیری گروه‌های تروریستی فراملی و فراملی تغییر داده است.

داعش یکی از این گروه‌های افراطی است که در منطقه خاورمیانه رشد و گسترش کرده است. حرکت سریع گروهی مسلح با نقاب و پوشش‌های سیاه و تسخیر قسمت‌های از سوریه و عراق شگفتی همگان را برانگیخت. دستیابی به تسلیحات پیشرفته و حاکم شدن بر قسمت اعظم کشور عراق و مناطق حساس در کنار کشتار خشونت‌آمیز مردم عراق و سوریه اهمیت توجه جهانیان را به این گروه تازه شکل گرفته معطوف کرد. این گروه که خود را دولت اسلامی

عراق و شام- داعش- می‌نامد، پیش از این جزی از گروه القاعده و جماعت جهادی بود. فارغ از مسائل ایدئولوژیک و بنیادگرایی این تشکیلات، تأسیس خلافت اسلامی در منطقه خاورمیانه از اهداف آنان به شمار می‌رود. این در حالی است که داعش پیش از این توسط قدرت‌های بزرگ غربی جهت مقابله و تضعیف دولت سوریه تقویت و مورد حمایت قرار گرفته بود.

از این رو نوعی تحول در مسائل امنیتی غرب آسیا را شاهد هستیم. به گونه‌ای که این تهدید نه تنها رقابت‌های قدرت بین کشورهای منطقه را تا حدودی کاهش داده بلکه نوعی وابستگی متقابل امنیتی میان کشورهای منطقه بوجود آورده است. از این رو وابستگی متقابل ایجاد شده میان کشورهای منطقه باعث ایجاد ائتلاف نظامی و افزایش همکاری امنیتی علیه این تهدید گردیده است. لذا، تحول گفتمان امنیتی را از میان دولت در منطقه به سوی همکاری در برابر گروه‌های تروریستی فراملی و منطقه‌ای شاهد هستیم. این امر چشم انداز نوینی از پویای امنیتی در منطقه را به ارمغان می‌آورد. پژوهش حاضر به دنبال تبیین و تحلیل این تحول نوین و نمایان کردن افق‌های آن است.

## ۱- جهانی شدن

جهانی شدن بر اساس بازسازی زمان، مکان و فضا که به دنبال خود بحران‌های متعددی از جمله هویت و معنا داشته است حاکی از وضعیت جدیدی است که پیش از این در سابقه بشریت جای نداشته است. از این جهت جهانی شدن در ابعاد گوناگونی صورت پذیرفته است که این ابعاد در تعامل و ارتباط با یکدیگر به سر می‌برند. هر چند گاهی جهانی شدن در قالب مذهب و ایدئولوژی پیش از این در جهان وجود داشته است اما زمینه‌های جهانی شدن امروزی در بستر سرمایه داری رشد کرده است و در کانون تحولات برق آسای تکنولوژیک، اقتصاد و ارتباطات قرار دارد این خود نیز به تسری سرمایه داری مربوط است چرا که فئودالیت عمده درون گرا بوده و در بستر زمین ثابت قرار داشت در حالی که سرمایه داری برون گرا بوده و به دنبال گسترش و تصرف منابع زیاد است.

مهم‌ترین ویژگی که جهانی شدن با خود به همراه دارد «بحران معنا» است. بدین صورت که الگوهای نظام وستفالیایی در غالب دولت<sup>۰</sup> ملت، ناسیونالیسم و جغرافیایی سیاسی دچار تحول اساسی شده‌اند. نوعی سیالیت در حوزه نظام معنای صورت گرفته است که تعاریف شهروندی، حقوق و حتی دولت را تغییر داده است. در این رهگذر دیگر دولت قدرت بلامنازع عرصه جهانی

به شمار نمی‌رود بلکه نیورهای رقیب از قبیل شرکت‌های بزرگ و چند ملیتی و گروه‌های موردی غیردولتی<sup>۱</sup> گرفته و رشد گروه‌های نامتعارف تروریستی را می‌توان شاهد بود (Clapham, ۱۹۹۰).

از این جهت، می‌توان نوعی پیوستگی و گسستگی معنای را در ابعاد گوناگون در جهانی شدن شاهد بود. این گونه که از یک سو بدلیل گسترش سیستم ارتباطی باعث همگرایی و نزدیک شدن نقاط گوناگون جهان گردیده و از طرفی دیگر با آگاهی جهانی محلی‌گرایی نیز تقویت شده و نوعی رقابت میان بازنمایی‌ها در عرصه جهانی صورت پذیرفته است. نمونه این محلی‌گرایی را می‌توان در تاکید بر سنت‌های محلی و تبلیغ آن در گستره جهانی شاهد بود. بنابراین، واکنش‌ها به جهانی شدن همواره در راستایی سازنده نخواهد بود و قسمت‌های از نقاط جهان همواره به چشم تهدید به آن نگریسته و در برابر آن مقاومت می‌کنند.

آنچه که در این راستا حائز اهمیت شکل‌گیری بحران معنا است که باعث کاهش نفوذ دولت در کنترل بر مفاهیم و گردش اطلاعات است. به عبارت بهتر دولت‌ها دیگر تنها قدرت در عرصه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حتی امنیتی بشمار نمی‌روند چرا که با قدرت گرفتن و پیوستگی نیروها بواسطه سیستم ارتباطی در نقاط مختلف جهان مرزهای جغرافیایی نفوذ پذیر شده و «لامکان‌ها» و عرصه‌های مجازی هویت‌ها را به تصویر می‌کشد. لذا، ناسیونالیسم که زمانی هویت خود را از سرزمین و ژئوپلیتیک کسب می‌کرد دچار تزلزل شده و انسان جهانی رخ نموده است. این در حالی است که در این بستر بوجود آمده زمینه‌های شکل‌گیری اندیشه‌های جدید و یا گسترش بنیادگرایی به دلیل تسری در نقل و انتقال نیز افزایش یافته است. که نمونه‌های آن را می‌توان در شبکه‌های تلویزیونی و عضوگیری‌های بین‌المللی شاهد بود. آنچه که در این رهگذر حائز اهمیت است تأثیر فرآیند جهانی شدن بر عرصه امنیت و شکل دادن به بستر رشد بنیادگرایی و گروه‌های تروریستی است (Holton, ۱۹۹۸).

جهت درک هر چه بهتر نوع رابطه نوینی که میان امنیت و گروه‌های تروریستی شکل گرفته، بایستی به ساختار و پارادایم تازه‌ای که شکل گرفته است، توجه نمود. به گونه‌ای که پارادایم «ملی» از زمان عقد قرارداد صلح وستفاليا و پایان یافتن جنگ سی ساله (۱۶۴۸-۱۶۱۸)، حاکم بوده و نزاع و صلح در قالب آن تعریف و درک شده است. از این رو توجه به شکل دادن ارتش

---

- Non Government Organization (NGO)

کلاسیک و منظم از جمله موارد مهم در مسائل امنیتی به شمار می‌رفت. این پارادایم هر چند برای تجزیه و تحلیل بسیاری از جنگ‌ها که تا پایان جنگ سرد رخ داده است؛ مناسب به نظر می‌رسد اما به درگیری‌های که در آن حداقل یکی از طرفین «غیر دولتی» است ناکارآمد به نظر می‌رسد (افتخاری، ۱۳۸۱: ۳۱۶). نکته دیگر این که، تعداد و انواع این گونه سازمان‌ها رو به افزایش است و متعاقب گسترش نفوذ و افزایش اهمیت‌شان، درگیری آن‌ها با دولت‌ها افزایش می‌یابد و حتی امروزه یکی از مهمترین مسائل امنیتی گسترش روز افزون نیروهای نظامی غیر دولتی و گروه‌های تروریستی است. لذا، نوعی تحول پارادایمی را در عرصه رویکرد نظامی شاهد هستیم که دیگر درگیری‌ها و برخوردهای نظامی در غالب میان دولتی یا بین نیروهای کلاسیک نظامی رخ نمی‌دهد بلکه عمده درگیری‌ها در غالب جنگ‌های نامعین و نامتمرکز بروز می‌کند. از این رو، می‌توان ویژگی‌های جنگ سرد را که پیش از این وجود داشت با وضعیت جهانی شدن مقایسه کرد. این ویژگی‌ها به صورت ذیل هستند:

- ۱- در دوران جنگ سرد، قدرت نظامی در دو کانون اصلی متمرکز بود، حال آنکه امروزه چندین قدرت و قدرت‌های غیر دولتی رشد کرده‌اند.
- ۲- در دوران جنگ سرد تهدیدات نظامی آشکار و در اولویت نخست بود، حال آن که امروزه وضعیت مبهم بوده و در خصوص اولویت و وضوح تهدیدات نظامی به شدت تردید وجود دارد.
- ۳- تهدیدات دوران جنگ سرد غالباً قابل پیشگیری بودند، حال آن که تهدیدات عصر حاضر به گونه‌ای اجتناب ناپذیر گشته و عموماً گریزی از مواجه شدن با آن‌ها نیست (Creveld, ۱۹۹۱: ۳۵-۴۹).

بنابراین وضعیت جدید دولت محور نیست و علاوه بر آن، بازی گران دیگری که از جنس دولت ملی نیستند و حتی فرا دولتی یا فرو دولتی هستند در این معادله جای دارند. در کنار این شرایط می‌توان به فرایند تجزیه شدن بسیاری از واحدهای سیاسی کوچک و بزرگ همچون شکل گیری نهادهای جدید در شبکه جهانی اشاره داشت (Gordon, ۱۹۹۳).

همانگونه که مفاهیم در عرصه جهانی شدن دچار گسست و پیوست شده‌اند مفهوم «امنیت» و رویکردهای آن نیز دچار تحول شده است. به عبارت بهتر دال «امنیت» به مدلول مشخصی ارجاع نمی‌دهد. اگر زمانی امنیت در گرو دولت قابل تعریف و فهم بود امروزه از دولت ملی مرکزیت زدایی شده و امنیت در عرصه‌های فردی و اجتماعی صورتبندی شده است. یکی از

مهمترین ویژگی‌های امنیتی در فرایند جهانی شدن بومی شدن یا محلی شدن<sup>۱</sup> است. یکی از رویکردهای است که انسان عصر جدید برای فرار از بی معنایی جهانی شدن به آن پناه می‌برد. اندشمندان عمدتاً از این موضوع بعنوان واگرایی میان «معنا» و «قدرت» یاد می‌کند که چهره خود را در تعارض میان جهانی شدن سریع و ظهور یک هویت فرهنگی یا قومی نشان می‌دهد. از این جهت یکی از تناقضات جهانی شدن آن است که در فرایند جهانی شدن در عین حرکت به سوی همشکلی، انواع هویت‌های محلی و قومی به عنوان مقاومت در برابر گسترش جهانی شدن تقویت گشته‌اند. به گونه‌ای که این تناقض را «همگن سازی» در «مقابل چندپارگی»<sup>۲</sup> می‌نامند (Robertson, ۱۹۹۸).

این در حالی است که علاوه بر شکل‌گیری محلی‌گرایی در پرتو جهانی شدن، امکاناتی نیز در اختیار قومیت‌ها و مذاهب قرار می‌گیرد که می‌توانند بواسطه آن دیدگاه‌های خود را در معرض دید و تبلیغ قرار دهند. به گونه‌ای که فرهنگ‌ها از بافت محلی خود خارج و در سرتاسر جهان تسری پیدا می‌کند. از دیدگاه انسان شناسانه متأخر تغییر متحول و متموج جهان پیرامون، شخص را وادار به قدرت یابی برای یافتن سرچشمه‌های جدید معنایی می‌کند. روشن است که جهانی شدن علاوه بر تولید کثرت و تاکید بر محلی شدن که دارای جنبه‌های مثبت است فرصت‌های را نیز در اختیار گروه‌های بنیادگرا نیز قرار می‌دهد حتی ممکن است ابزارهای لازم را جهت تهدید بقای انسان نیز آماده بکند. نمونه‌های این موارد را می‌توان در شکل‌گیری و گسترش گروه‌های تروریستی و کارتل‌های قاچاق شاهد بود درست است که جهانی شدن سیالیت معانی بوجود می‌آورد اما ابزارهای آن می‌تواند انسان‌های سرشکسته و انتقام‌جو را نیز در یک جا جمع کند.

### ظهور داعش

داعش یکی از گروه‌های تروریستی است که ریشه‌های آن به سازمان «القاعده در عراق»<sup>۳</sup> باز می‌گردد. مبانی اصلی این حرکت تروریستی توسط ابومصعب الزرقاوی<sup>۴</sup> پی ریزی شده است (Austin, ۲۰۱۴). پس از کشته شدن الزرقاوی در سال ۲۰۰۶ توسط سازمان اطلاعات عراق

- 
- Localization or Indigenization
  - Fragmentation
  - al-Qaida in Iraq (AQI)
  - Abu Musab al-zarqawi

ابویوب المصری<sup>۱</sup> رهبری دولت اسلامی عراق را به دست گرفت. دولت اسلامی عراق یکی از شاخه‌های القاعده در عراق را تشکیل می‌داد. در سال ۲۰۱۰ ابوبکر البغدادی که اصالتاً عراقی است توانست در کنترل شهر بقوبه عراق را در دست بگیرد و خود را جانشین رهبر کشته شده سازمان القاعده عراق یعنی المصری معرفی نماید که در سال ۲۰۱۳ رسماً سازمان تحت حاکمیت خود را دولت اسلامی عراق و شام معرفی نمود (Freeman, ۲۰۱۴).

جهاد النصره<sup>۲</sup> یکی دیگر از گروه‌های تروریستی فعالی است که در ارتباط با داعش قرار دارد. داعش و جبهه النصره که هر دو در عراق و سوریه حضور دارند در تقابل و تعامل با یکدیگر به سر می‌برند. جبهه النصره یکی از گروه‌های مقاومتی فوق رادیکال است که بر دولت اسلامی تاکید دارد که از ایدئولوژی سلفی برخوردار است. این گروه نیز پیش از تشکیل دولت اسلامی عراق و شام به سازمان القاعده عراق پیوسته بود و تحت رهبری ابومصعب الزرقاوی بسر می‌برد. الجولانی رهبری جبهه النصره را در اختیار داشت. وی پس از کشته شدن الزرقاوی به لبنان سفر کرد و پس از بازگشت به عراق توسط ارتش دستگیر و بازداشت شد. الجولانی پس از آزادی به فعالیت‌های تروریستی خود در کنار البغدادی و دولت اسلامی عراق ادامه داد.

پس از حمایت البغدادی از او، الجولانی به سوریه رفت و جبهه النصره را تشکیل داد. هر چند که بعدها جبهه النصره و داعش در برابر یکدیگر قرار گرفتند و حتی با یکدیگر به مبارزه برخاستند اما به لحاظ ایدئولوژیک هر دو گروه تابع تفکرات سلفی در منطقه خاورمیانه هستند. به گونه‌ای که النصره عمدتاً در سوریه فعال است و داعش در عراق مرکزیت دارد و هر دو با یکدیگر به همکاری می‌پردازند (Gulmohamad, ۲۰۱۴).

مطابق با گزارش‌ها در سال ۲۰۱۴ داعش و جبهه النصره در بسیاری از مواضع با یکدیگر در حال مبارزه بودند. این در حالی است که هر دو گروه در سوریه پس از بحران سوریه در حال مبارزه با حکومت بشار اسد در کنار سازمان انقلابی سوریه هستند. در کشور عراق نیروهای داعش عمدتاً در مناطق سنی نشین صاحب نفوذ هستند. به طور مشخص در شهر «النبار» و «موصل» نیروهای داعش از پیشروی قابل توجهی برخوردار هستند. پس از خروج نیروهای آمریکایی از عراق یعنی سال ۲۰۱۱ گروه‌های تروریستی فعالیت قابل توجهی در عراق انجام دادند. به طوری که باعث شد تا گروه‌های قومی- مذهبی در عراق دست به رقابت جهت کسب

---

- Abu Ayyoub al-Masri  
- Jabhat Al-Nusra (JN)



قدرت بزنند. در این خصوص سیاستمداران نوعی توسعه ناموزن نسبت به مناطق حریف و قومیت‌های دیگر داشتند که باعث ایجاد نارضایتی عمیق در میان گروه‌های دیگر شد. که نمونه آن را می‌توان در زمان نخست وزیری نوری المالکی شاهد بود که نسبت به گروه‌های دیگر جهت ورود به عرصه قدرت سیاسی مخالفت کرد و زمینه‌های درگیری سیاسی را در عراق رقم زد (Parker, ۲۰۱۴: ۱۷).

از این رو، بی توجهی المالکی نسبت به خواست‌های گروه‌های دیگر سنی در عراق باعث رشد بحران در غرب عراق شد. از طرفی دیگر افزایش تنش قومی باعث شد تا «رمادی» صحنه برخورد و رشد گروه‌های تروریستی شود. لذا، داعش با استفاده از فرصت پیش آمده توانست «النبار» دومین شهر بزرگ عراق را تصرف بکند. رشد و گسترش داعش در منطقه همراه با درگیری بین گروه‌های مختلف تروریستی و دولتی است. به گونه‌ای که علاوه بر دولت‌های سوریه و عراق که به صورت مستقیم در حال مبارزه با داعش هستند گروه‌های شیعی و تروریستی دیگر از جمله القاعده نیز در برابر داعش قرار دارند. آنچه که در خصوص داعش و ظهور آن در منطقه حائز اهمیت فراوان است مربوط به توسعه نیروهای فرادولتی در منطقه خاورمیانه بعنوان علایمی از افول قدرت دولتی است که باعث تحولی اساسی در حوزه مطالعات امنیتی در منطقه گردیده است.

گروه تروریستی که امروزه در سرتاسر خاورمیانه گسترش یافته و قسمت‌های عمده عراق و سوریه را در اختیار دارد زمینه‌های تحولات جدید و نگرانی‌های زیادی در منطقه خاورمیانه شده است. به گونه‌ای که بی ثباتی در منطقه علاوه بر نامنی در سطح انسانی باعث کاهش ظرفیت و اهمیت منطقه خاورمیانه در ابعاد گوناگون شده است. از این جهت هم کشورهای غربی و کشورهای خاورمیانه نگرانی زیادی از گسترش سطح دامنه این گروه تروریستی-داعش- در منطقه دارند. از این جهت بررسی شکل گیری داعش در منطقه و ریشه‌ها و ساختار آن در تحولات منطقه حائز اهمیت بسزایی است (Gulmohamad, ۲۰۱۴).

ریشه‌های تشکیلات داعش به گروه «القاعده عراق»<sup>۱</sup> باز می‌گردد که به لحاظ فکری برگرفته شده از اندیشه‌های افراطی ابو مصعب الزرقاوی<sup>۲</sup> هستند (Austin, ۲۰۱۴). هنگامی که در سال ۲۰۰۶ م ابو مصعب بواسطه نیروهای امریکایی و سازمان اطلاعات عراق کشته شد، ابویوب

---

- Al-Qaida in Iraq (AQI)  
- Abu Musab al-Zarqawi

المصری<sup>۱</sup> بعنوان رهبر جدید این گروه انتخاب شد. به عبارت دیگر داعش شکل گرفته و جدا شده از القاعده عراق است که شامل «شورای مجاهدین» و «جند الصحابه» می‌باشد. در سال ۲۰۱۰ م ابوبکر البغدادی معروف به ابو دائو، در بقوبه عراق به عنوان رهبری این گروه ظهور کرد (Freemen, ۲۰۱۴). ابوبکر البغدادی که اصالتاً عراقی است پس از کشته شدن المصری بدست نیروهای امریکایی و عراقی بعنوان رهبر گروه انتخاب شد سپس وی گروه داعش را در اپریل ۲۰۱۳ به صورت رسمی و به همراه شعار و پرچم آن اعلام کرد. البغدادی طی پیامی صوتی داعش و جبهه النصره که یکی از گروه‌های تروریستی در سوریه است را به صورت رسمی اعلام و خود را شاخه‌ای از تشکیلات القاعده معرفی کرد. این در حالی بود که هر دو تشکیلات جبهه النصره به رهبری ابو محمد الجولانی و داعش به صورت مجزا فعالیت می‌کردند (Joscelyn, ۲۰۱۳).

هرچند که الجولانی هر گونه وابستگی به داعش و همچنین الضواهری را انکار می‌کرد اما بدون شک این گروه نیز در راستای فعالیت‌ها و دیدگاه‌های اسامه بن لادن<sup>۲</sup> بود. نفوذ البغدادی فراتر از حوزه داعش رفت و باعث شد که گروه‌های خارج از مرز عراق را نیز در بر بگیرد به گونه‌ای که حتی در برابر و مخالفت با رهبر القاعده قرار گرفت. این در حالی بود که پس از گذشت ماه‌ها از فعالیت داعش الظواهری رهبر القاعده طی پیامی تهدیدات و نگرانی‌های نسبت به داعش بیان داشت و دستور عدم پیروی القاعده عراق از داعش را صادر کرد. به عبارت بهتر در این وضعیت شاهد رشد یک گروه بنیادگرایی رادیکال و مستقل از القاعده در منطقه هستیم (Mortada, ۲۰۱۳). لذا داعش گروهی است جهادی در منطقه خاورمیانه که خارج از کنترل القاعده قرار دارد و این گروه دارای آموزه‌ها و نیروهای خاص به خود است و بارها از دستورات رهبر القاعده سر باز زده‌اند.

در تحلیل‌های در خصوص داعش بر این نکته تاکید می‌شود که، داعش بیش از یک ایده یا سازمان است. به عبارت بهتر داعش بعنوان یک گفتمان عمل می‌کند و در درون خود دارای عقلانیت و اصول رفتاری است. هر چند این گفتمان با دال خشونت مفصل بندی شده است اما بعنوان یک زمینه و تفکر دارای حامی و نفوذ اجتماعی است (روشن چشم، ۱۳۹۳). از این رو داعش علاوه بر گفتمان و اصول رفتاری به دنبال احیایی خلافت اسلامی و قلمرو اسلامی است.

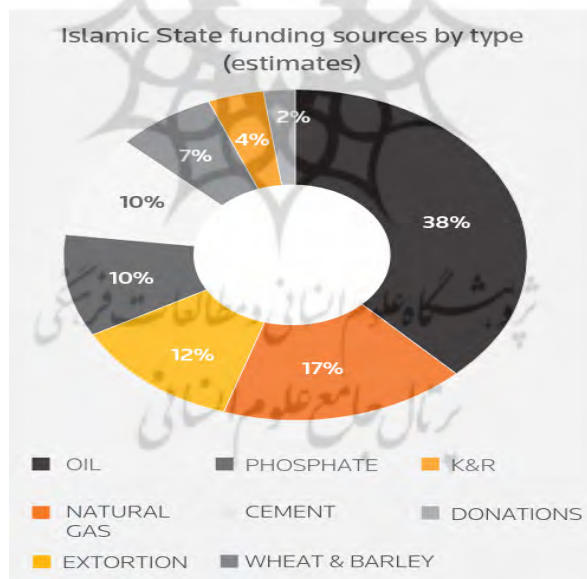
---

- Abu Ayyoub al-Masri  
- Osama bin Laden

لذا، ابوبکر البغدادی بعنوان رهبر این گروه به صورت رسمی جدایی خود را از گروه القاعده اعلام کرده و خود را خلیفه مسلمین نامید. این در حالی است که رهبران ارشد نظامی تشکیلات داعش را فرماندهان نظامی صدام حسین تشکیل می‌دهند. امروزه داعش علاوه بر عراق در سوریه و لبنان نیز نفوذ قابل توجهی دارد و در این کشورها در حال گسترش و انجام عملیات‌های نظامی است (Bunzel, ۲۰۱۳).

داعش در شمال لبنان توسط ابوسیف الانصاری هدایت می‌شود و در حال انجام عملیات نظامی و نفوذ در لبنان هستند. رشد داعش در لبنان و تکثرت مذهبی در لبنان باعث گردیده است تا یک جنگ میان گروه‌ها و قبایل مختلف لبنان رخ دهد که عمده تلفات این جنگ‌ها غیر نظامیان هستند. داعش دسترسی زیادی به منابع اقتصادی و جغرافیایی دارد اما هنوز بعنوان یک کشور عمل نمی‌کند و در قالب گروه تروریستی در حال اقدام است. و منابع اقتصادی فراوان باعث رشد سریع و مقاومت این تشکیلات در برابر حملات گروه‌های ائتلاف است (شکل ۱) (Brisard & Martinez, ۲۰۱۵).

شکل ۱. منابع مالی داعش



رشد سریع و گسترش داعش در منطقه خاورمیانه بخصوص کشور عراق و سوریه هر چند باعث تشکیل ائتلاف علیه این گروه در منطقه شد، اما منابع مالی و مراکز نفتی و گازی قابل

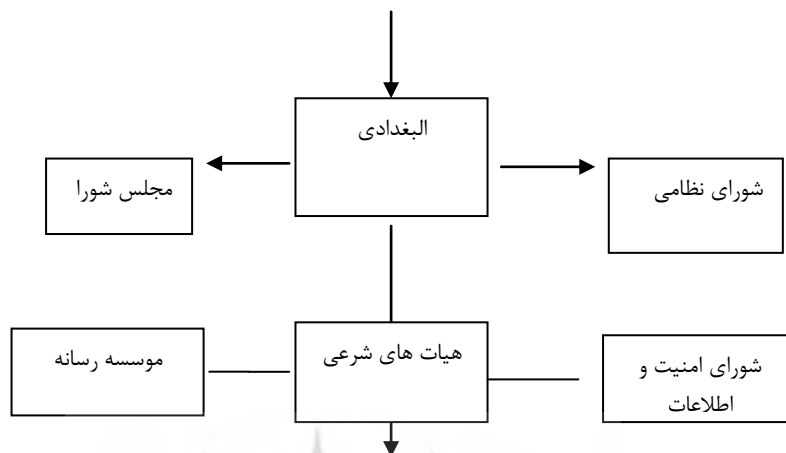
توجهی در منطقه تحت کنترل این گروه قرار گرفت که در راستایی پیشبرد اهداف آنان مورد بهره برداری قرار می‌گیرد. همان گونه که در شکل (۱)، نیز مشهود است قسمت عمده منابع مالی این گروه بواسطه نفت و گاز در منطقه است در کنار این منابع برخی از پالایشگاه‌های نفتی و پتروشیمی عراق و سوریه که در منطقه تمرکز داعش قرار داشتن نیز در اختیار داعش است کارخانه فسفات و اسید سولفوریک که از جمله کارخانه‌های صنعتی بزرگ منطقه هستند نیز در اختیار نیروهای داعش قرار دارند. در کنار این منابع قاچاق اسلحه و انسان که بعنوان تجارت سیاه شناخته می‌شود و اخاذی از کشورهای دیگر در قبال تحویل دادن گروگان‌ها از جمله منابع مالی است که داعش از آنها بهره برداری می‌کند. مطابق با مراکز تحلیلی و منابع داعش برآورد می‌شود که این گروه سالانه ۲/۹ میلیارد دلار درآمد حاصل کند (Ibid, ۲۰۱۵).

### ساختار تشکیلاتی داعش

این گروه از یک ساختار تشکیلاتی هرم مانند برخوردار است به طوری که سرکرده آن‌ها در رأس هرم قرار دارد و بقیه فرماندهان و نیروها در قاعده آن قرار می‌گیرند. تمامی فرماندهان و اعضا مناصب کلیدی توسط شخص خلیفه انتخاب می‌شود، به عبارت دیگر تمامی فرماندهان و اعضا اصلی داعش توسط شخص ابوبکر البغدادی تعیین و مورد نظارت قرار می‌گیرد (Asad, ۱۹۹۹). ابوبکر البغدادی پس از آنکه بعنوان خلیفه قرار گرفت فرماندهان و والیان دیگر شهرها را انتخاب کرد و با هرگونه تصمیم که بر خلاف نظر وی باشد مخالفت ورزید. وی ابتدا «ابو میسره احمد عبدالقادر الجزاع» را بعنوان والی بغداد و سپس «ابو مهندلطیف حمید اسویداوی» را بعنوان والی الانبار منصوب کرد. همچنین داعش نمایندگانی را برای امور گوناگون و فرماندهان نظامی دیگر جهت مبارزه انتخاب کرد (عباسی، ۱۳۹۳).

نمودار ۱. ساختار تشکیلاتی داعش

ساختار تشکیلاتی



مطابق با نمودار ساختار تشکیلاتی داعش (نمودار ۱) پس از البغدادی بعنوان رأس هرم شورای نظامی و مجلس شورا در درجه دوم هرم قدرت قرار دارند. شورای نظامی که یکی از مهمترین هسته‌های تشکیلات داعش است که ریاست آن را ابوالاحمد العلوئی بر عهده دارد که وی عملاً نقش وزیر دفاع را ایفا می‌کرد که پس از کشته شدن وی ابوحمزه مهاجر به آن سمت برگزیده شد در کنار فرمانده شورای نظامی سه تن دیگر به فرمانده در خصوص برنامه ریزی و هدایت جنگ کمک می‌کنند. انتخاب فرمانده شورای نظامی پس از مشورت البغدادی با مجلس شورا توسط وی انتخاب می‌شود (Bunzel, ۲۰۱۵).

مجلس شورا که شامل ۹ تا ۱۱ عضو است که عمدتاً از کشورهای عربی و از اعضا سابق سازمان القاعده هستند این شورا وظیفه هدایت و بررسی صلاحیت والی و فرماندهان نظامی را دارد. ریاست شورا در اختیار ابوارکان العامری است که توسط خود البغدادی انتخاب می‌شود.

شورای امنیت و اطلاعات که مهمترین وظیفه آن تعیین محل اقامت ابوبکر البغدادی و جا به جای آن در صورت نیاز است همچنین جلوگیری از نفوذ ورخنه به داخل سازمان و جاسوسی نیز از دیگر وظایف این شورا به شمار می‌رود. این شورا در برخی از فعالیت‌های خود اجرای حدود دستگاه قضا را نیز در دستور کار خود دارد. ابو علی الانباری افسر سابق دستگاه اطلاعات عراق ریس این شورا است و همچنین چندین نفر از دستگاه اطلاعات عراق در این شورا جای دارند. هماهنگی میان دیگر دستگاه‌ها اجرای ترورها مشهودترین فعالیت این شورا است همچنین در داخل شورا هیات اطلاع رسانی نیز وجود دارد که بعدها تبدیل به وزارت اطلاعات

شد که ریاست آن را سخنگوی شورا بر عهده دارد (Ibid). هیات های شرعی یکی دیگر از ارکان مهم داعش به شمار می رود. تعیین حدود قضا، امر به معروف و نهی از منکر در کنار تعلیمات دینی در دستور کار این هیات ها قرار دارد. پس از اینکه البغدادی به عنوان خلیفه ظاهر شد این هیات عملاً تبدیل به وزارت ارشاد گردید. این هیات مهم ترین نقش را در تحریک احساسات و ایجاد خوی جنگ طلبی در میان اعضا داعش دارد. هیات های شرعی دو وظیفه را بر عهده دارند: ۱- قضاوت و حل فصل منازعات، اقامه حدود و امر به معروف و نهی از منکر؛ ۲- ارشاد دعوت به عضویت در گروه و صدور فرمان جهاد. از طرفی دیگر عمده بیانات و سخن رانی های البغدادی توسط این گروه تنظیم می شود (عباسی، ۱۳۹۳).

موسسه رسانه وظیفه اطلاع رسانی و هدایت پایگاه های الکترونیکی و شبکه های اینترنتی موسوم به «جهاد» را بر عهده دارند. افرادی که دارای تخصص در امور الکترونیکی هستند یا در هسته های مخفی قرار دارند که عمدتاً نیز از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس می باشند در این امور به داعش کمک می رسانند. تهیه کلیپ و فیلم از جنایات داعش و سخنرانی ها و پیام های البغدادی از مهمترین وظایف این موسسه می باشد.

در یک نگرش کلی می توان سازمان داعش را دارای ویژگی های زیر دانست:

۱- این سازمان دارای ساختاری بسیار چابک و چالاک است که به ماهیت داعش بر می گردد و دارای خصوصیتی غیر دولتی است.

۲- ویژگی دوم که در راستایی ویژگی اول قرار دارد اینکه داعش فاقد بروکراسی عظیم است. به عبارت دیگر تصمیمات در داخل یک فرایند بروکراتیک پیچیده اتخاذ نمی شود بلکه به صورت فردی و با سرعت بالای عملیاتی می گردد.

۳- در توزیع پست ها و مناصب به بافت قومی توجه می شود و سعی می گردد تا حد امکان برابری قومیتی در آن رعایت گردد هر چند که عرب ها جایگاه اصلی را در سازمان آن به خود اختصاص داده اند.

داعش در بستر جهانی شدن

رشد و گسترش داعش در قلب خاورمیانه علاوه بر تحولات رخ داده در زمینه امنیتی منطقه که پیش از این در قالب القاعده و دیگر گروه‌های تروریستی مشاهده می‌شد، دارای تفاوت‌های است. از این که رشد گروه داعش نوعی به چالش کشیدن تهدیدات سنتی در خاورمیانه است. تهدیداتی که پیش از این عمدتاً در قالب درگیری میان مرزهای سیاسی و بین کشورها رخ می‌داد؛ اما ظهور پدیده داعش حاکی از فصل نوین مسائل امنیتی در منطقه است که نه تنها در درون کشور خاص بلکه به صورت گسترده‌یافته چندین کشور را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

به عبارت بهتر بررسی داعش در قالب تهدیدات سنتی قابل بررسی نیست و نفوذ این گروه‌های تروریستی به دیگر کشورهای منطقه حاکی از تضعیف دولت‌ها در خاورمیانه و وجه فرا ملی این پدیده است. مهم‌ترین زمینه تأثیر گذار در این خصوص فرایند جهانی شدن است. به این صورت که جهانی شدن علاوه بر امکان همگرایی جهانی را افزایش داده است اما از سوی دیگر باعث محلی‌گرایی و تأکید بر هویت‌های اجتماعی محلی شده است. از این جهت نیز هویت‌های دینی به صورت بنیادگرایی و نو بنیادگرایی در برابر این همگرایی جهانی عکس العمل از خود نشان داده‌اند. داعش به عنوان یکی از شاخه‌های سلفی-تکفیری در منطقه خاورمیانه با بهره‌گیری از این زمینه و در اختیار داشتن سیستم ارتباطی گسترده توانسته است که گسترش چشم‌گیری در منطقه داشته باشد حتی سیستم تبلیغاتی این گروه به گونه‌ای بوده که از تمامی اقصی نقاط جهان توانستند دست به جذب نیرو بزنند (Jabareen, ۲۰۱۵).

یکی از زمینه‌های که در فرایند جهانی شدن حائز اهمیت است و مورد بهره‌برداری داعش نیز قرار گرفته است سیستم ارتباطی جدید و کنش‌های ارتباطی نوین است. گسترش شبکه‌های اجتماعی با کنترل بسیار پایین بر اطلاعات باعث گردیده است تا اطلاعات به راحتی به گردش در آمده و در اختیار همه قرار بگیرد. شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی و شبکه‌های تولید خبر در کنار سایت‌ها، ماهواره‌ها و تلفن‌های هوشمند هر گونه اطلاعات<sup>۹۰</sup> از قبیل تصویر، صدا و نوشتار- را به راحتی انتقال می‌دهد. روشن است که در این بستر برخورد و آگاهی از دیدگاه‌ها و فرهنگ‌های گوناگون به سرعت رشد کرده و نوعی خود آگاهی به همراه خواهد آورد.

از این جهت بهره‌گیری از سیستم ارتباطی در چند جهت بر رشد گروه‌های بنیادگرا تأثیر می‌گذارد که اولین گام آن مربوط به اطلاع‌رسانی و عضوگیری از طریق این سیستم‌ها می‌باشد. به طوری که در بررسی ساختار تشکیلاتی داع نیز شاهد بودیم هیات رسانه یکی از

ارکان‌های مهم این تشکیلات بشمار می‌رفت. در فرایند شکل‌گیری داعش و در گسترش این گروه نیز رسانه نقش بسیار مهمی ایفا کرده است. چرا که رشد اندیشه بنیادگرا نیازمند بر خود دیدگاه‌های بنیادگرا با گستره اندیشه کثرت‌گرا است که باعث رادیکال شدن و اقدام خشونت آن می‌باشد. بطوری که دال خشونت داعش برخودار از این عامل است و برای مقابله با جهان متکثر نیازمند «تکفیر» است. از سوی دیگر رسانه زمینه لازم برای تبلیغ اقدامات و نشان دادن هژمونی در منطقه را برای گروه داعش فراهم می‌کند. بدین معنا که جنگ روانی و تضعیف روحیه از دیگر استفاده‌های است که نیروهای داعش از آن بهره می‌برند (Gunaratna, ۲۰۰۲: ۸۶).

شکل‌گیری هویت اجتماعی داعش نیز از دیگر مباحث مهم است که در کانون جهانی شدن مورد توجه است. مطابق تعریف هویت، آن چیزی است که افراد یک جامعه به درک مشترک دست پیدا می‌کنند و الگوهای رفتاری معینی را در پیش می‌گیرند. لذا، شکل‌گیری هویت بنیادگرا همواره پاسخی به احساس تهدید هویت خود است. گسترش کثرت‌گرایی و فروپاشی فراروایت‌های کلان که ناشی از فهم در بستر جهانی شدن است، منجر به عکس‌العمل برخی دیدگاه‌های مذهبی که کمتر قابلیت انعطاف یا سازگاری دارند، می‌شوند. از این جهت گروه‌های بنیادگرای سنی مذهب یا سلفی‌ها که عمدتاً بر مبنای معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی بر ظاهر گرایی و سلف صالح باور دارند در برابر این کثرت مقاومت و آن را به عنوان تهدید مذهبی می‌پندارند. از این جهت اقدام به مقابله و رادیکال شدن می‌کنند که در قالب تئوری‌های «جهاد» و جنگ مذهبی رخ می‌نماید.

داعش بعنوان یک هویت اجتماعی در خصوص دچار نوعی بحران هویت شده و نمود آن به صورت گروه تروریستی ظهور کرده است. فارغ از این بدلیل سرخوردگی اجتماعی از نظام سرمایه‌داری و تقلیل هویت انسان در بستر آموزه‌های مدرنیته عده زیادی در نقاط مختلف جهان به داعش پیوسته و در برابر دولت‌های غربی و منطقه‌ای قرار می‌گیرند. زمینه‌های این وضعیت را می‌توان در بحران هویت اجتماعی ایجاد شده ناشی از برداشت‌های اقتصادی و تقلیل انسان ارزیابی کرد (Kfir, ۲۰۱۵).

علاوه بر این مسائل کاهش نفوذ دولت‌ها نیز در فرایند جهانی شدن رقم می‌خورد. امروزه دولت‌ها دیگر قدرت بلامنازع در عرصه بین‌المللی و حتی داخلی نیستند. کنترل اطلاعات در عمده موارد خارج از دسترس دولت‌هاست. گردش‌های مالی و سرمایه‌گذاری بین‌المللی بواسطه



شرکت‌های بین‌المللی انجام می‌شود. گسترش گروه‌های غیردولتی تأثیر مستقیمی بر سیاستگذاری و خط مشی دولت‌ها دارد، حتی کنترل تسلیحات در انصار دولت‌ها قرار ندارد، قاچاق اسلحه، انسان و مواد مخدر نگرانی‌های عظیمی را برای دولت‌ها بوجود آورده است. از این جهت شکل‌گیری داعش بعنوان یکی از سازمان‌های تروریستی در منطقه خاورمیانه خود نیز ناشی از تضعیف و کاهش قدرت دولت‌های منطقه است که سال‌ها با اقتدار و قدرت نظامی حکومت کرده‌اند. از این جهت کاهش نفوذ دولتی باعث رشد گروه‌های بنیادگرا و تروریستی در منطقه شده است که داعش نیز یکی از این موارد است. شکل‌گیری داعش در اثر کاهش قدرت مرکزی دولت سوریه و تضعیف دولت عراق بود که با کمک‌های خارجی و باقمانده افراد بعثی توسعه یافت.

وجه دیگری که داعش آن را دنبال می‌کند مربوط به شکل سیستم حکومتی است. گسترش داعش نوعی رویکرد ضد وستفالیایی به شمار می‌رود. به عبارت بهتر این سیستم در قالب دولت-ملت قابل تعریف نمی‌باشد و نوعی «ضد ملت‌گرایی» است و در عوض بر «امت‌گرایی» تاکید دارد. داعش نوعی بازگشت به سیستم حکومتی اسلامی است و خلافت اسلامی را پیگیری می‌کند. در این رویکرد ناسیونالیسم یا جغرافیایی سیاسی فاقد اهمیت است و در عوض بر امت زیر مذهب واحد تاکید می‌کند. لذا می‌توان پذیرش اینگونه رویکرد در سطح بین‌المللی را نیز در راستایی جهانی شدن و کثرت الگوهای دولتی تحلیل کرد (Jabreen, ۲۰۱۵).

### نقش هویت اجتماعی در شکل‌گیری داعش و تأثیر آن بر مطالعات امنیتی

شکل‌گیری ریشه‌های داعش به اندیشه ساخت دولت اسلامی در عراق باز می‌گردد. به طوری که بیش از آن سازمان القاعده و سازمان مجاهدین در عراق هسته‌های اصلی داعش را شکل داده‌اند. این گروه که ابتدا تحت رهبری و متأثر از اندیشه‌های الزرقاوی بود، مطابق با ایدئولوژی الزرقاوی و بعدها الضواهری اجتماع جدیدی با هویت مشخص در قلب جهان اسلام و مذهب سنی تشکیل دادند. از مهمترین ارکان این سازمان‌ها می‌توان به هویت اجتماعی ضد تشیع و ضد غربی نام برد که در کنار آن بازگشت به ساختار سیاسی خلافت را می‌توان شاهد بود (Wiktorowicz & Kaltner, ۲۰۰۳: ۷۶-۹۲).

از این جهت می‌توان داعش را بعنوان یک هویت اجتماعی در نظر گرفت که به دنبال تجلی آن در قالب یک نظام سیاسی جدید بود. این در حالی است که هویت اجتماعی هنگامی که با

«نا امنی وجودی» مواجه شود به صورت رادیکال عمل می‌کند. به عبارت دیگر به صورت منسجم سازماندهی شده و اقدام به مقابله می‌کند. این وضعیت را می‌توان در شرایط منطقه خاورمیانه و بخصوص در عراق و سوریه شاهد بود. هر دو کشور عراق و سوریه متشکل از هویت‌های قومی-مذهبی هستند و هر کدام از آنان به صورت رقابت آمیز در ساختار سیاسی کشور ظاهر می‌شوند. آشفتگی امنیتی در کشور عراق بخصوص پس از سقوط صدام حسین دیکتاتور عراق و ایجاد فضای آنارشی در کشور باعث رشد گروه‌های قومی-مذهبی گوناگونی در این منطقه گردید و به نوعی سیاسی شدن قومیت‌ها را باعث گردید (روشن چشم، ۱۳۹۳).

همین‌طور شرایط حاکم در سوریه و تضاد سیاسی میان هویت‌های قومی-مذهبی باعث ایجاد فضای تنش‌آلود در کشور سوریه گردید که این فضای تنش‌آمیز با سیاست‌های دولتی توأم با اعمال خشونت و مبارزه مسلحانه بود. نکته‌ای که باید در کانون این تحولات و جریان‌ها به آن توجه کرد شکل‌گیری هویت‌ها و سیاسی شدن این هویت‌ها در قالب پویش‌های اجتماعی است. همانگونه که در تحقیقات متعدد به اثبات رسیده است (جدول ۱)، منطقه خاورمیانه به لحاظ هویتی آکنده از هویت‌های اجتماعی است که در صورت عدم تسامح میان آن‌ها برخوردها و خشونت‌ها را شاهد هستیم. آنچه که در این حوزه حائز اهمیت است اینکه هویت‌ها در تعاریف خود/دیگری نوعی بار امنیتی را حمل می‌کنند (روشن چشم، ۱۳۹۳).

جدول ۱. گستره تعارضات قومی (منبع، Fox، ۲۰۰۱)

منطقه	تعداد گروه‌ها	تمایزات سیاسی	تمایزات اقتصادی	تمایزات فرهنگی	درخواست خود مختاری	تظاهرات	آشوب
خاورمیانه شمال آفریقا	۱۴	۸۶	۶۴	۵۷	۵۷	۲۳	۱۷
آسیا	۳۱	۴۳	۷۷	۶۴	۷۸	۱۷	۳۵
بلوک شوروی سابق	۲۶	۴۴	۳۸	۵۴	۶۳	۱۵	۱۲
آمریکای لاتین	۱۲	۶۷	۹۲	۷۵	۶۷	۸	۱۹
دموکراسی‌های غربی	۸	۳۷	۶۲	۵۰	۳۷	۲۵	۰
آفریقا	۱۴	۴۳	۷۱	۲۹	۵۷	۳۳	۲۳

به عبارت بهتر، شکل‌گیری هویت هسته اصلی امنیت را سامان می‌بخشد. به گونه‌ای که هویت با تعریف «خود<sup>۱</sup>»، «دگر<sup>۲</sup>» را به‌عنوان تهدید و عامل خارجی تلقی می‌کند که بایستی

- Self  
- Other

برای تأمین امنیت از بین برود. در این حالت است که هویت ابعاد امنیتی به خود می‌گیرد و در برابر «دگر» اعمال خشونت می‌کند. در صورتی که این هویت‌ها تسری پیدا کند در آن حالت جامعه از پویایی بازمانده و تک‌ساحتی می‌گردد. با این چشم‌انداز می‌توان شاهد بود که داعش بعنوان یک هویت سیاسی شده در بستر تحولات منطقه خاورمیانه که از درون القاعده آغاز شده است، شکل‌گیری هویت رادیکال ذیل اندیشه سلفی به تحولات کشورهای اسلامی بخصوص حضور نیروهای خارجی در افغانستان باز می‌گردد (تاجیک، ۱۳۷۷).

بر اثر این تحولات نوعی سازمان جهادی برای مقابله با نفوذ کشورهای غیر مسلمان در جوامع مسلمان صورت پذیرفت. گسترش این تفکر باعث ظاهر شدن گروه‌های مسلح تندرو با تفکرات سلفی در منطقه خاورمیانه گردید. هر چند عمده توجهات و فعالیت‌های این گروه‌ها برای مقابله با نفوذ قدرت‌های غیر مسلمان در کشورهای اسلامی بود اما رقابت‌های بین قومی-مذهبی به خصوص مبانی ضد شیعی، سلفی‌گری باعث گسترش آن در داخل جوامع مسلمان شد. به طوری که مطابق با هویت اجتماعی گروه‌های غیر سلفی به‌عنوان خارجی و غیر مسلمان تلقی شده و در بستر این هویت و اندیشه با آنان مبارزه می‌شد (Moghadam, ۲۰۱۳: ۴۶۶-۴۷۹). نمونه این تحولات را می‌توان در عراق و سوریه شاهد بود که داعش به‌عنوان یکی از هویت‌های رادیکال مذهبی جهت استیلا و سامان‌دهی هویت اجتماعی خود دست به مبارزه با گروه‌های شیعی و غیر سلفی می‌زند. به‌گونه‌ای که در این راستا به دنبال ایجاد یک خلافت اسلامی در قسمت‌های از عراق و سوریه است. بر این اساس هرگونه تهدید هویت اجتماعی شکل گرفته باعث اعمال خشونت می‌گردد (Lia, ۲۰۰۸: ۵۱۸-۵۴۲).

بنابراین تأثیرات هویت اجتماعی در مطالعات امنیتی را می‌توان در رشد گروه داعش در منطقه به عنوان یکی از هویت‌های اجتماعی برگرفته از القاعده شاهد بود. به عنوان نمونه هویت که در ارتباط با «خودآگاهی» اجتماعی است در پهنه جهانی شدن ناشی از سیستم ارتباطی نوین از اهمیت بسزایی برخوردار است که حتی مطالعات امنیتی را تحت تأثیر قرارداد و از توجه به هویت ملی در قالب ناسیونالیسم کاسته و بر هویت اجتماعی و محلی‌گرایی به صورت «فروملی» و «فراملی» تأکید می‌کند. لذا، عبور از دولت-ملت به‌عنوان مبنای مطالعات امنیتی سنتی به هویت‌های «فروملی» و «فراملی» باعث تحول در مطالعات امنیتی شده که نیازمند تأکید بر مطالعات جامعه‌شناختی است (روشن چشم، ۱۳۹۲: ۶۸).

### شکل گیری داعش و تحول در مفهوم جغرافیای سیاسی

جهان اخیراً شاهد یک پدیده سرزمینی جدیدی در قالب سازماندهی دولت اسلامی عراق و شام است. به طوری که این پدیده علاوه بر این که در منطقه خاورمیانه رخ داده است در سطح جهانی نیز تاثیرگذار بوده است. وجود گروه‌های تندرو اسلامی در منطقه خاورمیانه که از طالبان گرفته تا داعش و بوکوحرام حاکی از وضعیت جدید جغرافیایی در منطقه خاورمیانه است. به گونه‌ای که بازگشت به «خلافت» و «امت» در دستور کار آن‌ها قرار گرفته است. مطابق با اندیشه اسلامی و مذهب تسنن «خلافت» و «امت» دارای جایگاه ویژه‌ای در بستر سیاسی است. از این جهت، دولت اسلامی عراق و شام (داعش) نوعی مقابله با مفهوم دولت‌های مدرن، ملت و جغرافیایی سیاسی به‌شمار می‌رود، چرا که امت تاکید بر مذهب دارد بدون توجه به جغرافیایی سیاسی و خلافت اسلامی تنها محدود به مرزهای سرزمین نمی‌باشد (Cowen & Gilbert, ۲۰۰۸: ۱-۳۰).

در این بستر، هزاران مسلمان جهادی از سرتاسر جهان به هم می‌پیوندند و تشکیل یک دولت اسلامی، جامعه، سرزمین و رهبری سیاسی می‌دهند. شکل‌گیری خلافت اسلامی به واقع بازگشت به شیوه حکومت خلفای راشدین پس از وفات پیامبر (ص) است که به‌عنوان تنها شیوه حکومت از سوی داعش و گروه‌های سلفی معرفی می‌شود. از این جهت، شکل‌گیری داعش به‌عنوان دولت اسلامی در منطقه خاورمیانه به نوعی چالش با قرارداد وستفالی و تشکیل دولت مدرن در قالب ملت و جغرافیایی سیاسی است. در اندیشه «خلافت» اطلاعات از خلیفه از مرزهای جغرافیایی عبور کرده و حتی ملیت‌ها را نیز در بر می‌گیرد. به عبارت بهتر، وجود مذهب واحد و اطاعت از رهبری است که مفهوم امت را سامان می‌بخشد. در این مفهوم جغرافیایی واحد و یا زبان مشترک از اولویت خارج شده و اطاعت از رهبری هسته اصلی آن را تشکیل می‌دهد. روشن است که مفهوم جغرافیا در این بین دچار تحول می‌گردد و هر آنجا که نفوذ مذهب یا رهبری وجود داشته باشد جز جغرافیای سیاسی به‌شمار می‌رود (Balibar, ۲۰۰۴).

بنابراین، داعش با توجه به اندیشه «خلافت» و «امت» که امروزه به صورت عملی نیز در قسمت‌های از کشور عراق و سوریه نیز وجود دارد، فراتر رفته و از تمام نقاط دنیا به جذب پیروان اقدام می‌کنند. در این بین مفهوم دولت-ملت به‌عنوان شاخص اصلی در روابط بین الملل و مطالعات امنیتی دچار مشکل می‌شود. چرا که در حوزه مطالعات امنیتی سنتی این

دولت- ملت است که شاخص اصلی امنیت و تأمین امنیت به‌شمار می‌رود. این در حالی است که اندیشه «خلافت» و «امت» از این شعاع خارج شده و دولت‌های ملی را به چالش می‌کشد و دولت‌ها دیگر به‌عنوان شاخص اصلی مطالعات امنیتی به‌شمار نمی‌روند. بلکه وجود گروه‌های عقیدتی در درون کشورهای مختلف مفاهیم امنیتی از برخوردهای بین‌دولتی خارج کرده است (Fukuyama, ۲۰۰۴). نمونه این را می‌توان در اعلام حمایت گروه‌های جهادی در نقاط مختلف جهان و در کشورهای گوناگون حتی اروپایی شاهد بود. به طوری که افراد از کشورهای گوناگون به گروه‌های داعش می‌پیوندند و حتی گروه‌های جهادی دیگر نیز اعلام بیعت با داعش می‌کنند. در این بستر دیگر دولت‌های ملی به‌عنوان حوزه مطالعات امنیتی به‌شمار نمی‌روند هر چند همچنان دولت‌ها به‌عنوان بازیگر عمده در حوزه مطالعات امنیتی نقش ایفا می‌کنند اما در شکل‌گیری تهدیدات جدید در عرصه گروه‌های فروملی و فراملی دولت‌ها به‌عنوان دفاع از تمامیت ارضی یا جنگ بین‌دولتی عمل نمی‌کنند بلکه داعش عمدتاً گروه‌ها و حوزه اجتماعی را به لحاظ عقیدتی و جزیره‌ای تحت تأثیر قرار می‌دهد (Brenner, ۱۹۹۹: ۳۹-۴۵). از این جهت می‌توان تأکید کرد که ظهور داعش به‌عنوان یک پدیده جغرافیایی قابل تحلیل نیست بلکه یک مفهوم جامعه‌شناختی دارد که دولت‌های ملی و جغرافیا را دچار تحول کرده و عمدتاً بدون مرز و در قالب ایدئولوژی خلافت و امت عمل می‌کند. از این جهت می‌توان فصل جدیدی در مطالعات امنیتی را شاهد بود که دیگر در قالب سنتی و دولت- ملت واقع نمی‌شود و به نوعی ضد وستفالیای عمل می‌کند.

#### تأثیر اقتصاد بر مطالعات امنیتی با ظهور داعش

یکی از مهمترین نیازهای گروه‌های تروریستی به دست آوردن منابع مالی جهت انجام عملیات‌ها و گسترش نفوذ خود می‌باشد. داعش نه تنها به‌عنوان یک گروه تروریستی بلکه به‌عنوان دایه‌دار تشکیل حکومت اسلامی در عراق و سوریه نیازمند منابع مالی کلان برای اداره امور داخلی خود همچنین جذب نیرو و عملیات نظامی خود می‌باشد (antimoneyl, ۲۰۱۴). (aunderinglaw, ۲۰۱۴).

در این راستا داعش از روش‌های گوناگون جهت کسب منابع مالی و حتی غیرمستعارف بهره می‌گیرد. یکی از منابع مالی داعش گرفتن مالیات مستقیم از افراد تحت سلطه خود است. طبق برآوردها داعش تنها از استان موصل بیش از ۸ میلیون دلار در ماه درآمد کسب می‌کند. این

مالیات‌ها شامل: مالیات بر اجناس، مکالمات راه دور، بازپرداخت حساب بانکی، خدمات اجتماعی، کارمندان، عوارض جاده‌ای در شمال عراق، عوارض تردد بین مرز عراق و سوریه، غارت آثار باستانی و مالیات حفاظت از غیر مسلمانان.

دریافت مالیات داعش در مناطق تحت اشغال سوریه و عراق به طور تقریبی هر ماه ۳۰ میلیون دلار و سالانه ۳۶۰ میلیون دلار درآمد عاید داعش می‌کند. به‌طور که می‌توان ادعا داشت بیش‌ترین درآمد را در میان گروه‌های تروریستی در جهان دارد. یکی دیگر از منابع مالی داعش مربوط به معاملات سیاه یا بازار سیاه ایجاد شده در اثر بحران منطقه‌ای است. نفت از جمله منابع مهم داعش به‌شمار می‌رود. به‌طوری که کشور عراق چهارمین کشور بزرگ صادر کننده نفت است و حدود ۴۰ درصد منابع نفت جهان در این کشور قرار دارد. از طرفی دیگر با تسلط داعش بر مناطق صنعتی عراق و سوریه بهره‌برداری از این منابع در راستای تأمین منابع مالی صورت می‌پذیرد. به‌گونه‌ای که داعش بر چندین پالایشگاه مهم و بزرگ در عراق و سوریه مسلط است. ۷ پالایشگاه در استان رقه سوریه و ۱۳ پالایشگاه در استان‌های عراق از جمله الانبار، نینوا، صلاح‌الدین و تکریت در اختیار داعش قرار دارند که نزدیک ۶۰۰۰۰ تن در روز ظرفیت تولید دارند (Washington Post, ۲۰۱۴).

در یک بررسی کلی می‌توان اظهار داشت که ۶۰ درصد ظرفیت تولیدی نفت سوریه و ۱۰ درصد کشور عراق تحت کنترل داعش قرار دارد که ظرفیت تولید آن‌ها بین ۸۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ تن در روز است و روزانه ۲ میلیون تا ۴ میلیون دلار درآمد حاصل می‌گردد. از این جهت برآورد می‌شود که درآمد سالانه داعش از نفت و تولیدات نفتی بین ۷۳۰ تا ۱۴۶۰ میلیون دلار باشد. گازهای طبیعی یکی دیگر از منابع مهم سوخت و انرژی همین‌طور منابع مالی به‌شمار می‌رود. داعش چندین منبع بزرگ گازهای طبیعی عراق و سوریه را در دست دارد که عمدتاً در استان الانبار واقع شده‌اند مطابق با برآوردها درآمد سالانه داعش از منابع گازهای طبیعی بالغ بر ۴۸۹ میلیون دلار است (Associated Press, ۲۰۱۴).

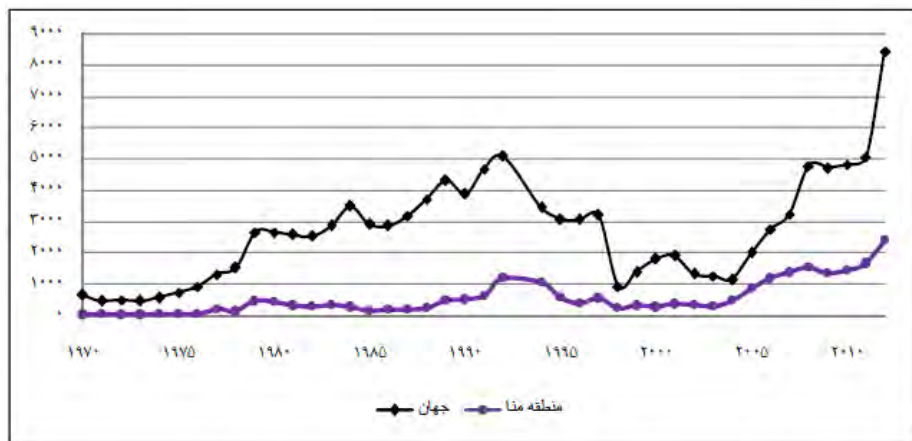
منابع عظیم فسفر، سولفور و سیمان از منابع دیگر مالی داعش به‌شمار می‌رود. به‌طوری که داعش بر یک منطقه عظیم از کانی‌های گران بها تسلط دارد و بر کارخانه‌های تولید فسفات و سولفور دسترسی دارند. به‌طور متوسط سالانه ۱ میلیون تن تولید دارند که سالانه حداقل ۵۰ میلیون دلار از تولید فسفات و ۳۰۰ میلیون دلار از تولید سولفوریک اسید عاید آن‌ها می‌گردد

که به این رقم می‌توان ۲۹۲ میلیون دلار در سال از تولید و فروش سیمان اضافه کرد (Reuters, ۲۰۱۴).

در نهایت می‌توان منابع کشاورزی را نیز به این تولیدات افزود که با توجه به مناطق تحت سطره داعش در عراق و سوریه و تولیدات کشاورزی در این مناطق در کل ۳۲۰ میلیون دلار سالانه متناسب با تخمین‌ها حاصل می‌گردد. بر این اساس منابع مالی یکی از ارکان اصلی پایداری و تداوم داعش در منطقه به‌شمار می‌رود. به طوری که امروزه منابع مالی و تجاری یکی از ابزارهای گروه‌های تروریستی است که بواسطه آن می‌توانند دست به عملیات‌ها و جذب نیرو بزنند (UN, ۲۰۱۴, Food and Agriculture Organization of the UN). روشن است که در حوزه مطالعات امنیتی اقتصاد و تجارت نیز جایگاهی خاص به خود اختصاص داده است و فعالیت اقتصادی در ارتباط با امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی قرار می‌گیرد، چرا که کم بود منابع مالی باعث تضعیف و در نهایت از بین رفتن گروه‌های تروریستی می‌گردد. بنابراین می‌توان اینگونه برداشت کرد که اقتصاد متغییر دیگر در مطالعات امنیتی نوین به شمار می‌رود و به نوعی بر ابعاد میان‌رشته‌ای بودن مطالعات امنیتی تاکید دارد.

### بررسی وضعیت پدیده تروریسم در غرب آسیا

روند حوادث تروریستی در جهان و غرب آسیا طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۲ در نمودار (۷-۱) نشان داده شده است. بررسی حوادث تروریستی در جهان نشان دهنده یک روند صعودی از سال ۱۹۷۰ تا سال ۱۹۹۲ است. به نحوی که کل حوادث تروریستی جهان از میزان ۶۵۱ حادثه در سال ۱۹۷۰ به میزان ۵۰۸۱ حادثه در سال ۱۹۹۲ رسیده است. بعد از سال ۱۹۹۲ یک روند نزولی تا سال ۱۹۹۸ در میزان حوادث تروریستی وجود داشته است. هماهنگی روند حوادث تروریستی در این دوره با دوره جنگ سرد و پایان آن در سال ۱۹۹۱ جای تأمل دارد. در مقایسه با جهان، منطقه غرب آسیا روند ثابتی را در خصوص حوادث تروریستی تجربه کرده است.



نمودار ۱- روند حوادث تروریستی در جهان و منطقه غرب آسیا (منا) بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۲ طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۴ حوادث تروریستی شاهد یک روند نوسانی در سطوح پایین بوده است. میزان حوادث تروریستی در این دوره نسبت به ۲۰ سال گذشته کاهش چشمگیری را نشان می‌دهد و شوک ناشی از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله به افغانستان نیز تا سال ۲۰۰۴ تغییر چندانی بر جریان حوادث تروریستی نداشته است. پس از سال ۲۰۰۴ میزان حوادث تروریستی در جهان به شدت افزایش یافته، به نحوی که در سال ۲۰۰۸ با ۴۷۸۹ حادثه تروریستی به میزان بسیار اندکی از بیشترین مقدار خود در ۳۹ سال گذشته فاصله داشته است. از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ روند حوادث تروریستی نسبتاً ثابت بوده است؛ با این حال میزان حوادث تروریستی در سطوح بالای ۴۷۰۰ حادثه در سال حفظ شده است. در سال ۲۰۱۲ تعداد حوادث تروریستی در جهان با نرخ رشد ۶۶ درصدی نسبت به سال ۲۰۱۱ به رقم قابل توجه ۸۴۴۱ حادثه رسیده است. در همین سال ۲۸ درصد از کل حوادث منطقه غرب آسیا با تجربه رشد ۴۵ درصدی در تعداد حوادث تروریستی، ۲۸/۶ تروریستی جهان را در خود جای داده است. بررسی سهم منطقه غرب آسیا از کل حوادث تروریستی جهان نیز نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۰۱ متوسط سهم منطقه غرب آسیا از کل حوادث تروریستی جهان برابر با ۱۲ درصد بوده و از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ این سهم به رقم قابل ملاحظه ۳۳/۸ درصد افزایش یافته است. افغانستان به بهانه مبارزه با تروریسم و اعتراضات و انقلابهای به وقوع پیوسته در این منطقه را که تحت عنوان بهار عربی در جهان شناخته شد، می‌توان از مهم‌ترین دلایل افزایش قابل توجه حوادث تروریستی در منطقه غرب آسیا دانست. قابل ذکر است که این افزایش سهم از



حوادث تروریستی در منطقه غرب آسیا بیشتر به دلیل افزایش حوادث تروریستی در کشور عراق بوده است. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که در حدود ۷۰ درصد حوادث تروریستی منطقه غرب آسیا در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲ در کشور عراق رخ داده و این کشور بیش از سایر کشورها در منطقه مذکور قربانی حوادث تروریستی بوده است. ظاهراً حمله به این کشور به بهانه مبارزه با تروریسم خود عامل افزایش تروریسم در این کشور شده است. در کل طی سالهای ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۲ بیش از ۱۱۳ هزار حادثه تروریستی در نقاط مختلف جهان به وقوع پیوسته که نتیجه آن‌ها بیش از ۱۰۶ هزار کشته و در حدود ۱۰۳ هزار زخمی بوده است. در منطقه منا نیز طی دوره مذکور بیش از ۲۳ هزار حادثه تروریستی با ۲۲ هزار نفر کشته و ۲۱۶۴۹ نفر زخمی رخ داده است.

بیش از ۴۶ درصد از اقدامات تروریستی در جهان و ۵۵ درصد این اقدامات در منطقه غرب آسیا از طریق بمبگذاری صورت گرفته است و در حدود ۲۵ درصد اقدامات تروریستی نیز از طریق حمله مسلحانه انجام می‌گیرد. قتل عمد در رتبه سوم قرار گرفته و در حدود ۱۳ درصد از انواع فعالیت‌های تروریستی را شامل می‌شود. در مجموع می‌توان بیان نمود که تقریباً ۹۰ درصد کل فعالیت‌های تروریستی در جهان و منطقه غرب آسیا از طریق بمبگذاری، حمله مسلحانه و قتل عمد صورت می‌گیرد. همچنین قابل توجه است که سهم آدم ربایی به صورت دزدی کودکان هم در سطح جهان و هم در منطقه منا بیش از سهم سایر انواع حملات تروریستی از قبیل هواپیما ربایی، گروگان گیری و حمله با سلاح سرد است. از این رو، عمده اقدامات و حملات تروریستی در منطقه غرب آسیا بر اقدامات سازمان یافته و درون دولتی را شامل می‌شود. اما با ظهور داعش ابعاد فرا منطقه‌ای و فرا دولتی به خود گرفت.

### تأثیرات شکل‌گیری گروه‌های افراطی در منطقه (داعش)

یکی از مهم‌ترین تأثیرات گروه‌های افراطی در منطقه بر کشورهای عراق و سوریه بوده که منجر به تشکیل ائتلاف برای مقابله امنیتی شده است. حکومت بعثی عراق که سنی مذهب بود، با اشراف بر این موضوع و با نظر قدرت‌های سلطه‌گر نگاه به ایران را مورد توجه قرار داد که جنگ تحمیلی اولین اقدام آن بود. بعد از پایان جنگ و تغییر شرایط محیطی ناشی از سرنوشتی صدام، بستر مساعدی برای اقدامات گروه‌های سلفی - که آمریکا و متحدین این کشور در منطقه، خود از بنیان ایجاد آن و عامل تحرک بخشیدن به اقدام نظامی آن‌ها در منطقه بودند،

فراهم گردید. سلفیون با هیبتی جدید و با تأکید بر اقدام مسلحانه برای استقرار حکومت اسلامی در قالب گروه‌های وابسته به القاعده در عراق ظاهر شدند که آخرین آن‌ها گروه موسوم به داعش است.

تروریسم هر چند از ابتدای هزاره سوم، به ویژه در دستور کار امنیتی کشورها قرار گرفته است، اما شکل‌گیری اخیر تکفیری آن در خاورمیانه در پی خیزش‌های تازه در جهان عرب از لایه‌های پنهانی سر برآورد که در واقع در قالب یک تهدید جدی امنیتی و در ظاهری به مراتب خشونت‌آمیزتر ظاهر شده است. وجود شکاف‌های عمیق قومی- مذهبی در خاورمیانه و ژرف‌تر شدن این شکاف‌ها به واسطه جنگ قدرت کشورها در منطقه به همراه خلاء امنیتی ایجاد شده، منطقه خاورمیانه را به زمینه‌های مساعد برای اعمال داعش تبدیل کرده است. داعش به رغم آنکه احیای عظمت کشورهای اسلامی در گذشته را داشته و مدعی است که سرزمین‌های بین النهرین و شام را به یکدیگر ملحق خواهد کرد، اما شاخصه نخست آن سوار شدن بر موج تجزیه طلبی در عراق و سوریه است.

از این جهت، عراق با تهدیدات مهمی از جمله تهدید تجزیه و از بین رفتن یکپارچگی سرزمینی، بروز جنگ داخلی گسترده همچنین ناکامی روند سیاسی و تغییر نظام سیاسی روبروست. با این حال سیطره داعش تهدیدات جدی را در سطح منطقه‌ای ایجاد کرده است که از جمله رشد افراط‌گرایی و تروریسم، تغییرات مرزی و تجزیه کشورهای منطقه، بروز جنگ قومی و مذهبی در منطقه و تهدید جدی ثبات و امنیت منطقه‌ای است. تحولات اخیر در عراق و سوریه داعش را باید ناشی از یک برنامه ریزی در سطح منطقه دانست که رقابت‌های منطقه‌ای به جای رویارویی مستقیم، به جنگی نیابتی در مناطق نفوذ کشورهای رقیب کشانده شده که پیامدهای بسیاری نیز برای کشورهای هدف همچنین برای ثبات کل منطقه در پی دارد. تسلط داعش بر بخش‌های از عراق و سوریه پیامدهای مهم منطقه‌ای در پی دارد که از جمله شامل گسترش رقابت‌ها و اختلافات بین بازیگران منطقه‌ای، احتمال برهم خوردن مرزهای کشورها در صورت تجزیه و از بین رفتن تمامیت ارضی عراق و سوریه، گسترش افراط‌گرایی و تروریسم در سطح منطقه و افزایش تنش‌های قومی و مذهبی، احتمال وقوع جنگ منطقه‌ای با تشدید رقابت‌ها بر سر عراق و تهدید امنیت و ثبات خاورمیانه و تغییر معادلات در بحران‌های منطقه‌ای مانند بحران سوریه می‌شود (اسدی، ۱۳۹۳: ۳۹).

همچنین تسلط داعش بر بخش‌های سنی نشین عراق بیشترین تهدیدات منطقه‌ای را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کند. از طرفی دیگر داعش رویکرد بسیار رادیکال‌تری در قبال شیعیان و جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با القاعده دارد. تسلط گروه افراط‌گرا و تروریستی داعش بر مناطق سنی نشین عراق باعث گسترش جدی فعالیت‌های این گروه در قبال اهداف و مراکز شیعی و توهین به اماکن و مقدسات شیعی می‌شود (مبینی کشه و آجیلی، ۱۳۹۳: ۴۲).

### شکل‌گیری و کشورهای عضو ائتلاف ضد داعش

وزارت خارجه آمریکا لیست کامل کشورهایی را که ادعا دارد، به ائتلاف «ضد داعش» تحت رهبری این کشور پیوسته‌اند را اعلام کرد. هنوز میزان دقیق مشارکت این کشورها در اقدام نظامی در عراق و سوریه اعلام نشده و مقامات بسیاری از این کشورها هنوز موضعی در قبال لیست اعلام شده نگرفته‌اند. رئیس‌جمهور آمریکا طی نطقی از «راهبرد» خود برای «تضعیف و نهایتاً نابودی» داعش رونمایی کرد، تاکنون دو کشور امارات و عربستان رسماً به عملیات نظامی در سوریه پیوسته‌اند. هنوز هیچ‌یک از متحدان غربی آمریکا حاضر به مشارکت در سوریه نشده و نقش آن‌ها به عراق محدود مانده است. «چاک هیگل» وزیر دفاع آمریکا در کنفرانس خبری مشترک با هم‌تای فرانسوی خود گفت دو طرف اقدام نظامی مشترک در سوریه را مورد بحث قرار داده‌اند، اما «ژان یوس لودریان» از تائید این مسئله طفره رفت و آن را تائید نکرد.

در این لیست علاوه بر نام کشورها، به اتحادیه اروپا، اتحادیه عرب و پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز به عنوان حاضران در ائتلاف اشاره شده است. در بیانیه وزارت خارجه آمریکا عنوان شده است که هریک از این کشور هدف مشترک ائتلاف را دنبال می‌کنند و کمک‌هایی در این زمینه انجام داده‌اند. لیست این کشورها بدین شرح است: «آلبانی، استرالیا، اتریش، بحرین، بلژیک، بلغارستان، کانادا، کرواسی، قبرس، جمهوری چک، دانمارک، مصر، استونی، فنلاند، فرانسه، گرجستان، آلمان، یونان، مجارستان، عراق، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، اردن، کوزوو، کویت، لیتوانی، لبنان، لتونی، لوکزامبورگ، مقدونیه، مولداوی، مونتنگرو، مراکش، هلند، نیوزلند، نروژ، عمان، لهستان، پرتغال، قطر، کره جنوبی، رومانی، عربستان سعودی، صربستان، اسلواکی، اسلونی، اسپانیا، سوئد، تایوان، ترکیه، اوکراین، امارات متحده عربی و بریتانیا» در این لیست ائتلاف ضد داعش فارغ از اینکه حضور واقعی یا فعال علیه داعش وجود داشته باشد اما می‌توان نوعی مجموعه منطقه‌ای در خاورمیانه شامل اتحاد غرب و کشورهای حاشیه خلیج فارس را

شاهد بود که شامل کشورهای «بحرین، مصر، عراق، اردن، کویت، لبنان، قطر، عربستان سعودی، ترکیه و امارت متحده عربی» این در حالی است کشورهای روسیه، ایران و سوریه نیز در مقابل داعش در حال مبارزه هستند. از این رو می‌توان شکل‌گیری دو مجموعه امنیتی منطقه‌ای را در خاورمیانه بر محوریت داعش شاهد بود. از این لحاظ در کنار تحول در مسائل امنیتی نوعی تداوم دیدگاه مجموعه امنیتی و رشد دولت‌گرایی را شاهد هستیم.

### مهم‌ترین اهداف ائتلاف ضد داعش

با توجه به شکل‌گیری ائتلاف ضد داعش می‌توان مهم‌ترین اهداف این ائتلاف را در موارد ذیل بیان کرد:

- ۱- بازگشت و تسلط امنیتی و نظامی آمریکا در منطقه؛
- ۲- جلوگیری از انتقال انرژی تهدیدآمیز داعش علیه متحدان منطقه‌ای آمریکا؛
- ۳- تضعیف مقاومت به نفع رژیم صهیونیستی؛
- ۴- در حاشیه قرار دادن کشورهایایی که به معنای واقعی در خط مقدم مبارزه با تروریسم هستند؛
- ۵- بازیابی آبروی سیاسی و جبران شکست‌های پی‌درپی آمریکا در عراق، سوریه و در منطقه؛
- ۶- تغییر اولویت کشورهای منطقه؛
- ۷- تخریب زیرساخت‌های جهان اسلام و سیطره بر ثروت‌های آنها؛
- ۸- حفظ امنیت رژیم صهیونیستی؛
- ۹- پایان دادن به جنگ داخلی سوریه و حمایت از ایجاد یک دولت انتقالی؛
- ۱۰- کاهش وزن ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران؛
- ۱۱- براندازی نظام سوریه؛
- ۱۲- تجزیه عراق؛
- ۱۳- تظاهر به مخالف بودن با تروریسم؛
- ۱۴- حفظ و ارتقاء موقعیت مخالفان مسلح سوریه؛
- ۱۵- سهم‌خواهی برای داعش در کشورهای مربوطه؛
- ۱۶- انزوای ایران و محور مقاومت؛

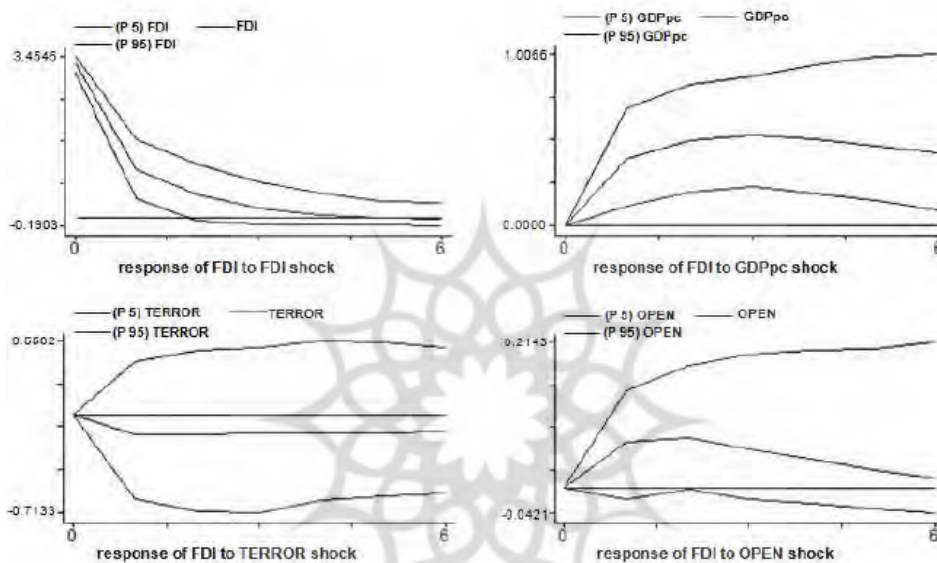
- ۱۷- مدیریت و کنترل داعش در جارافیای کنونی و جلوگیری از انتقال آنها به آمریکا و اروپا؛
- ۱۸- استمرار نابسامانی در خاورمیانه و تضعیف حکومت‌های منطقه به نفع رژیم صهیونیستی؛
- ۱۹- تأثیر مرزها و شکل دهی خاورمیانه جدید به نفع رژیم صهیونیستی؛
- ۲۰- تطهیر آمریکا، کشورهای غربی و متحدان منطقه‌ای و برائت از داعش؛
- ۲۱- کار تبلیغاتی حزبی درون آمریکا؛
- ۲۲- جلوگیری از توسعه و پیشرفت کشورهای خاورمیانه؛
- ۲۳- طرفداری از اقلیت‌های قومی مذهبی مانند ایزدی‌ها، مسیحی‌ها و ترکمان‌ها در عراق؛
- ۲۴- حضور در حیات خلوت روسیه؛
- ۲۵- افزایش حمایت سیاسی، اقتصادی، و امنیت عراق، به ویژه زنده کردن توافقنامه چهارچوب استراتژیک ایالات متحده و عراق؛
- ۲۶- جلوگیری از مقابله مؤثر با داعش؛
- ۲۷- کاهش بحران انسانی مؤثر بر میلیون‌ها نفر از مردم سوریه و عراق؛
- ۲۸- بازگرداندن تمامیت ارضی عراق و سوریه؛
- ۲۹- ساخت و مدیریت یک ائتلاف بین‌المللی برای شکست ISIS و ایجاد ثبات در منطقه؛
- ۳۰- جلوگیری از روی کار آمدن حکومت مستقل و مقتدر در عراق؛
- ۳۱- مشارکت دادن رژیم صهیونیستی در فرآیندهای جدید منطقه (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۳-۳۴).

### تأثیرات گسترش گروه‌های افراطی بر سرمایه‌گذاری غرب آسیا

علیرغم اهمیتی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای کشورهای در حال توسعه دارد و تلاشی که توسط این کشورها برای جذب سرمایه‌های خارجی صورت می‌گیرد، باین حال، بخش اعظمی از جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در میان کشورهای صنعتی جریان دارد. در این رابطه کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال نیز علیرغم دارا بودن مزیت‌های زیاد به لحاظ جذب در وضعیت مناسبی قرار ندارند.

به نظر می‌رسد کسب آگاهی هر چه بیشتر کشورها از عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهت اتخاذ سیاست‌های مناسب و اقدامات لازم برای موفقیت در دستیابی به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارای اهمیت زیادی می‌باشد. از این رو، ایجاد آگاهی نسبت به

تبغات تروریسم بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارای اهمیت است. بر اساس مطالعات شوک‌های مثبت حاصل از تولید ناخالص دارند و در مقابل اثر شوک‌های تروریسم بر FDI داخلی و باز بودن تجاری اثر مثبتی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منفی بوده است؛ بنابراین کشورهای خاورمیانه برای غلبه بر ریسک ناشی از پدیده تروریسم نیازمند ایجاد سازوکارهایی جهت کاهش این پدیده می‌باشند (نمودار ۲).



## نمودار ۲- توابع عکس‌العمل آنی برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

آنچه مسلم است این است که بدون آگاهی از علل و ریشه‌های بروز تروریسم نمی‌توان نسبت به مقابله مؤثر با آن اقدام نمود؛ بنابراین نخستین گام کشورها جهت مقابله با تروریسم شناسایی علل بروز پدیده تروریسم و سپس انجام اقدامات در جهت حذف آن است. مورد توجه قرار گرفته و بررسی سایر تبغات FDI در مطالعه حاضر فقط اثر تروریسم بر جذب اقتصادی این پدیده می‌تواند به عنوان موضوعی برای پژوهش‌های آتی مطرح گردد. همچنین تروریسم پدیده‌های نیست که منحصر در مرزهای یک کشور باشد. امروزه بحث تروریسم بین‌الملل به عنوان یکی از جنبه‌های اساسی تروریسم مطرح است. بررسی علل و تبغات اقتصادی این نوع از تروریسم نیز می‌تواند به عنوان پیشنهادی بررسی‌های بیشتر در نظر گرفت.

## زمینه‌های تهدید و فرصت برای عملکرد ایران

در خصوص تهدیدات داعش برای ایران می‌توان در دو بعد امنیتی، سیاسی به آن توجه کرد که در ذیل به آن‌ها می‌پردازیم:

### - تهدیدات امنیتی

هر چند گروهک تروریستی داعش قدرت چندانی برای به وجود آوردن تهدیدات امنیتی برای جمهوری اسلامی ندارد، اما در حوزه قدرت نرم این تهدید وجود دارد. شکی نیست که داعش امکان ورود به ایران را ندارد، چرا که هم در حوزه اطلاعاتی و هم در حوزه نظامی، توان مقابله با ایران را ندارد. تنها تهدیدی که در این زمینه وجود دارد، آن است که آنها با بهره‌گیری از برخی نارضایتی‌های اجتماعی، قومی و بعضاً اقتصادی در مناطق غرب ایران، زمینه را برای فعالیت‌های خود فراهم کنند. رویکرد داعش در این رابطه این می‌باشد که مناطق غرب ایران عمدتاً سنی مذهب می‌باشند که بر اساس تصور آنها، از حکومت شیعه در ایران رضایت ندارند. در رد این رویکرد باید گفت که اولاً این زمینه برای مردم این مناطق از مدت‌ها پیش وجود داشت که با گروهک تروریستی پژاک همکاری کنند و به مقابله با حاکمیت بپردازند.

بزرگ‌ترین مشکل پژاک این بود که نتوانست پایگاه اجتماعی در غرب ایران برای خود به وجود آورد. داعش نیز با این مشکل مواجهه است. در صورت نداشتن پایگاه اجتماعی، این گروهک توانایی اقدامی را ندارد. دوماً مذهب غالب اهل تسنن ایران، شافعی می‌باشد که هیچ قرابتی با مذهب حنبلی و فرقه‌های انحرافی آن ندارد. از لحاظ اعتقادی مذهب شافعی به شیعیان نزدیک‌ترند. از این رو، زمینه عقیدتی و اجتماعی لازم برای نفوذ و گسترش داعش در داخل ایران وجود ندارد و امکان این تسری در حوزه مردمی بسیار پایین است با این حال امکان اقدامات تروریستی کور در داخل ایران وجود دارد (توسلی، ۱۳۹۳، مصاحبه با خبرگزاری فارس).

### - تهدیدات سیاسی

بیداری اسلامی در منطقه گسترش نفوذ گفتمانی جمهوری اسلامی ایران را همراه داشته است. مؤلفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی شامل مردمسالاری دینی و استکبار ستیزی می‌باشد. حرکت مردم انقلابی منطقه نیز به سمت این دو آرمان بوده است. مبارزه مردمی علیه مبارک، قذافی و بن علی در این چارچوب قرار می‌گیرد. حکومت‌های فردی در مصر، لیبی و تونس فرصت را برای استمرار مردمسالاری دینی از بین برده بود.

از سوی دیگر با توجه به عدم پایگاه اجتماعی دیکتاتورهای این کشورها، آن‌ها مشروعیت خود را با توسل به قدرت‌های بزرگ جستجو می‌نمودند و این امر زمینه ساز وابستگی این کشورها به غرب گردید. در چنین شرایطی ملت‌های منطقه دست به قیام زدند و با انقلاب‌های خود، بار دیگر آرمان‌های انقلاب اسلامی را زنده نمودند. بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند در تحولات جدید خاورمیانه، غرب جایگاه خود را از دست داده است. چرا که دولت‌های وابسته به غرب از بین رفتند و دولت‌های جدید بر اساس خواست و اراده مردم شکل گرفته‌اند. با توجه به استعمار این کشورها توسط غرب در طول قرون گذشته، ملت‌های این منطقه بیگانه ستیز می‌باشد و در صورت شکل‌گیری حکومت‌های مردمی، غرب نمی‌تواند به جایگاه سابق خود در منطقه بازگردد و افرادی در رأس امور قرار می‌گیرند که گفتمان عدم وابستگی به غرب را داشته باشند (توسلی، ۱۳۹۳، مصاحبه با خبرگزاری فارس).

در همین راستا آنها برای آنکه از تحولات منطقه عقب نمانند، بحران سوریه را شکل دادند تا با سقوط بشار اسد بخشی از شکست‌های خود را جبران نمایند. زمانی که آنها متوجه پایگاه مردمی بشار اسد شدند و فهمیدند نمی‌توانند به این سادگی حکومت سوریه را از بین ببرند، گروهک‌های تروریستی را که داعیه اسلام نیز داشتند، مورد حمایت خود قرار دادند. در این بین عربستان و قطر نیز که از گسترش نفوذ جمهوری اسلامی ایران آگاه بودند، به کمک غرب آمدند. هر چند آنها در مصر توانستند پیروز شوند و حکومت مرسی را ساقط کنند، اما در سوریه بیش از گذشت سه سال از بحران این کشور، بشار اسد با قدرت بیشتر که حاصل رأی مردم به او بوده است، همچنان پابرجاست. نتیجه عملکرد غرب و برخی کشورهای منطقه، قدرت گرفتن گروهک‌های تروریستی تندرو می‌باشد. با نگاهی به گروه‌های تندرو اسلامی که در گذشته به وجود آمده‌اند (همچون طالبان) در می‌یابیم که آنها دو هدف اساسی را دنبال می‌نمودند اول مبارزه با نیروهای خارجی در کشورهای اسلامی و دوم تشکیل حکومت اسلامی. این در حالی است که گروه‌های جدید تندرو همچون داعش، مبارزه با دولت و مردم شیعه را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده‌اند.

هرچند تشکیل دولت اسلامی را مدنظر دارند. مصداق این مسئله ورود گروه‌های داعش به عراق و کشته شیعیان سوری و عراقی به فجیع‌ترین شکل است. این مسئله می‌تواند کشورهای منطقه را به دو محور شیعه و سنی تقسیم نماید. محور شیعه شامل ایران، سوریه، حزب الله لبنان، عراق، بحرین و الحوثی‌های یمن می‌باشد که در برابر دیگر کشورهای منطقه قرار می‌گیرد.



قطعاً این مسئله تهدیدی برای جمهوری اسلامی ایران است. گفتمان ایران اسلامی تنها شیعیان را شامل نمی‌شود. ملت‌های سنی منطقه نیز تحت تأثیر این گفتمان قرار داشته‌اند. شاهد مثال این مسئله گروه‌های مبارز فلسطینی همچون حماس می‌باشد که هر چند گرایش مذهبی آنها با ایران متفاوت است، اما تحت تأثیر مؤلفه‌های انقلاب اسلامی به مبارزه با رژیم صهیونیستی روی آورده‌اند.

در صورتی که گروه‌های داعش به اهداف خود برسند، این تهدید وجود دارد که نفوذ گفتمانی جمهوری اسلامی تنها محدود به شیعیان منطقه شود. باید به این مسئله توجه داشت که آرمان‌های جمهوری اسلامی همچون مبارزه با رژیم صهیونیستی، تنها با وحدت جامعه اسلامی محقق می‌شود. شیعه هراسی که در نتیجه اقدامات داعش ممکن است در سراسر منطقه گسترش یابد، از جمله اهداف غرب برای مقابله با نفوذ ایران بوده است که هم اینک داعش به شکل دیگری این مسئله را دنبال می‌نماید (توسلی، ۱۳۹۳، مصاحبه با خبرگزاری فارس).

#### – فرصت‌های داعش برای ایران

بزرگ‌ترین فرصتی که عملکرد داعش برای ایران و بالخصوص جبهه مقاومت به وجود آورده است، مشروعیت بخشیدن به دولت بشار اسد می‌باشد. داعش با ورود خود به عراق، نشان داد که به مرزهای سیاسی اعتقادی ندارد و تهدیدی برای جامعه جهانی محسوب می‌شود. اقدامات این گروهک ثابت کرد که بشار اسد به دنبال قدرت طلبی نبوده است و همان طور که بارها اعلام کرده است برای صیانت از ملت سوری با این افراد می‌جنگد. افکار عمومی منطقه و جامعه جهانی نیز به این مسئله پی بردند که بحران سوریه منشأ خارجی دارد. غربی‌ها بحران سوریه را تداوم تحولات و انقلاب‌های عربی می‌دانستند و بر این اساس کمک‌های تسلیحاتی و مالی را برای گروه‌های مبارز داخل سوریه فراهم می‌کردند. اما اینک با این مشکل مواجه شده‌اند که افکار عمومی تحت تأثیر تحلیل‌های آنها قرار نمی‌گیرند. بر همین اساس دیگر نمی‌توانند به داعش و گروه‌های افراطی کمک کنند. در واقع غرب بر سر دو راهی مانده است از یک سو تمایل دارد با کمک به گروه‌های تروریستی، زمینه را برای سقوط بشار اسد فراهم کند و از سوی دیگر از عکس‌العمل افکار جامعه جهانی واهمه دارد (روشن چشم، ۱۳۹۴).

این مسئله به نفع جمهوری اسلامی نیز شده است. ایران ضمن حمایت از بشار اسد، خطر گروه‌های تروریستی را بارها به گوش جهانیان رسانده است. غربی‌ها در موضوع سوریه، پرستیژ و حیثیتشان دچار خدشه شده است. اما ایران توانست جامعه جهانی را علیه تروریست‌ها بسیج

نماید. فرصت دیگری که به نفع جمهوری اسلامی فراهم شده است، انسجام و وحدت گروه‌های سیاسی در عراق است. مهم‌ترین گروه‌های سیاسی در عراق شامل شیعیان، اهل تسنن و کردها می‌باشد. پس از سقوط صدام این سه مرکز قدرت نتوانسته‌اند با یکدیگر تعامل داشته باشند. اختلافات آنها به ملت عراق نیز سرایت نموده است (توسلی، ۱۳۹۳، مصاحبه با خبرگزاری فارس).

همین مسئله یکی از معضلات دولت عراق محسوب می‌شود. اکنون این فرصت به وجود آمده است که در سایه خطر تروریست‌های داعش، گروه‌ها و احزاب عراقی اختلافات را کنار بگذارند و به مقابله با تروریست‌ها بپردازند. این مسئله هم اینک در عراق به وجود آمده است. علمای اهل سنت و شیعه در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. مسعود بارزانی نیز بر کمک‌های اقلیم کردستان عراق در مقابله با تروریست‌ها تاکید نموده است. این موضوع در نهایت به سود جمهوری اسلامی می‌باشد. دولت نوری المالکی دولتی می‌باشد که به ایران نزدیک است و ایران نیز دارای منافع در عراق است. همواره این بیم وجود داشته است که در سایه اختلافات گروه‌های سیاسی در عراق، به منافع ایران ضربه وارد شود. وجود گروه‌های تروریستی در عراق زمینه را برای انسجام گروه‌های سیاسی در عراق و اتحاد مردم این کشور فراهم می‌کند.

منطقه غرب آسیا و بخصوص خاورمیانه بیانگر نوعی ساختار تنش‌زا در جغرافیایی تاریخ است. در بررسی شرایط تاریخی و ژئوپلیتیک این منطقه شاهد بروز نوعی زمینه‌های ناآرامی که عمدتاً میراث استعمار را با خود به همراه داشت، بودیم. شکل‌گیری مرزهای جغرافیایی ساختگی نه تنها بعدها مشکلات جدایی‌طلبی و بحران ملی را به بار آورد بلکه باعث برخوردهای مرزی بین کشورها نیز گردید که نمونه‌ای از آن را می‌توان در جنگ‌های اعراب و اسرائیل شاهد بود. از طرفی دیگر رشد گروه‌های افراطی به دلیل وجود تنوع قومی<sup>۵</sup> مذهبی در این منطقه باعث ایجاد بحران‌های امنیتی فراوانی شده در طول تاریخ همواره شاهد رشد این گروه‌ها بوده‌ایم. از این جهت می‌توان بحران‌های امنیتی، سیاسی و اجتماعی منطقه غرب آسیا را در دوره‌های مختلف تقسیم بندی کرد که هر یک ویژگی خاص به خود را دارد. پژوهش حاضر به بررسی تاثیرات و نتایج رشد گروه‌های افراطی در غرب آسیا با مطالعه موردی داعش می‌پردازد. از این جهت می‌توان، این محیط امنیتی را به قبل و بعد از آن تقسیم بندی کرد. آنچه که تحت عنوان تاثیرات و آثار نتایج ظهور بینادگرایی و حضور داعش در منطقه رخ می‌دهد مربوط به تحول در محیط امنیتی که به نوعی از بعد دولتی و ملی خارج گردیده و از طرفی دیگر نوعی ائتلاف دولت

گرایی پیرامون آن شکل گرفته است. ظهور داعش علاوه بر اینکه نوعی ماهیت دولت و ملت را مورد تهدید قرار می‌دهد و تاکید بر خلافت اسلامی و امت سازی قرار دارد خود باعث شکل گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای پیرامون همین موضوع گردیده است.

از طرفی تهدید نظام وستفالیایی و ساختار دولتی و از سوی دیگر شکل گیری مجموعه امنیتی جدید جهت مبارزه با داعش باعث ایجاد محیط امنیتی جدید و از تاثیرات گروه‌های افراطی در منطقه بشمار می‌رود. یکی از نتایج رشد داعش در منطقه دو قطبی شدن منطقه در قالب ائتلاف مبارزه علیه داعش است. مجموعه اول مربوط به ائتلاف غربی است که توسط اکثر کشورهای غربی و برخی کشورهای منطقه بخصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس صورت گرفته است. مجموعه امنیتی دوم توسط کشورهای ایران، روسیه، سوریه و عراق یا کشورهای موسوم به گروه مقاومت است. خود این دو مجموعه امنیتی ابعاد مختلف سیاسی و امنیتی و متفاوت از هم را در منطقه در راستایی منافع خود پیگیری می‌کنند و هر چند هر دو بر علیه داعش مبارزه می‌کنند اما به نوعی تقابل میان این دو مجموعه امنیتی نیز به چشم می‌خورد.

گسترش گروه‌های افراطی گری باعث تضعیف کشورهای درگیر بحرن نیز شده‌اند. تسری و توسعه آن از دیگر نتایج آن بشمار می‌رود. تقویت گروه‌های تروریستی کوچک و پیوستن آنها به داعش ابعاد گسترده‌تری به اقدامات، جذب و گستره عملیات این گروه می‌دهد. در نتیجه افزایش خشونت‌ها و بحران‌های اجتماعی و انسانی از جمله آثار آن بشمار می‌رود. در خصوص این تهدیدات می‌توان تهدیدات و فرصت‌های ناشی از رشد این گروه را بر علیه ایران نیز مورد توجه قرار داد.

از دیگر آثار رشد گروه‌های افراطی در منطقه آسیب دیدن اقتصاد ملی و کاهش میزان سرمایه گذاری خارجی در حوزه اقتصادی در منطقه است که این خود می‌تواند با خود بحران اقتصادی را همراه آورده و بر حوزه‌های امنیتی و سیاسی نیز تأثیر گذار باشد. تضعیف اقتصاد یکی از مسائل اصلی در خصوص توسعه ملی و در نتیجه پایداری کشورهای منطقه غرب آسیا است. از طرف دیگر ضعف اقتصادی این مناطق عامل مهمی نیز در خصوص شکل گیری و توسعه گروه‌های تروریستی بوده است. از این‌رو، می‌توان آثار و پیامدهای حضور گروه‌های افراطی را در منطقه غرب آسیا در موارد ذیل دسته بندی کرد:

#### ۱- امنیتی:

- رشد گروه‌های تروریستی؛

- افزایش نزاع بین گروه‌های قومی - مذهبی؛
- افزایش شکاف‌های عقیدتی و قومی؛
- رشد اقدامات تروریستی، کشتار و حملات انتحاری؛
- ناتوانی در پیگیری اقدامات تروریستی از سوی مراجع رسمی به دلیل هرج و مرج؛

## ۲- سیاسی:

- کاهش نقش دولت‌ها در منطقه؛
- کاهش مشروعیت و عدم اعتماد شهروندان به دولت؛
- رشد گروه‌های تروریستی؛
- افزایش هرج و مرج سیاسی و شکل‌گیری ساختار تروریستی در دستگاه‌های سیاسی؛

## ۳- ژئوپلیتیکی:

- عبور از مفهوم دولت ° ملت؛
- شکل‌گیری گروه‌های جدایی طلب و خودمختاری مناطق؛
- اتکا به ایده امت به جای ملت؛
- تضعیف و ناکارایی مرزها در کنترل تردد؛

## ۴- اقتصادی:

- تضعیف اقتصاد ملی؛
- کاهش سرمایه‌گذاری خارجی؛
- افزایش نرخ بیکاری، تورم؛
- بهره‌برداری از منابع اقتصادی در راستای اهداف تروریستی؛
- عدم توجه به توسعه اقتصادی از سوی دولت‌ها؛
- از دست دادن دارایی‌ها و منابع اقتصادی (زمین، ابزارها و ثروت) مردم کشورهای درگیر؛

## ۵- اجتماعی و فرهنگی:

- گسیختگی اجتماعی؛
- برخورد‌های سخت بین اجتماعات گوناگون؛
- از بین رفتن تشکیلات حزبی و جایگزینی گروه‌های نظامی و شبه نظامی به جای سیاسی؛
- عدم استفاده از نمادهای ملی و مناسک مذهبی گروه‌ها؛

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیتی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

اسدی، بیژن (۱۳۸۲). *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران: انتشارات سمت.

تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۷). *بررسی ساختار و تشکیلات گروه های تروریستی*، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.

تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷). «قدرت و امنیت در عصر پسا- مدرنیسم»، *فصلنامه سیاسی- اجتماعی گفتمان*، شماره صفر،

روشن چشم، حامد (۱۳۹۴). *مسائل امنیتی خاورمیانه در چشم انداز پست مدرن*، تهران: انتشارات رازی.

روشن چشم، حامد (۱۳۹۳). «نگاه جامعه شناختی به داعش»، *روزنامه رسالت*، به آدرس: [www.tnews.ir/news/fff.html](http://www.tnews.ir/news/fff.html)

روشن چشم، حامد (۱۳۹۳). «بحران هویت داعش»، *روزنامه رسالت*، به سایت: [www.irna.ir/fa/news/](http://www.irna.ir/fa/news/)

مبینی کشه، زهرا؛ آجیلی، هادی (۱۳۹۳). «نقش داعش در شکل گیری معادلات جدید در خاورمیانه»، *فصلنامه حبل المتین*، سال سوم، شماره هفتم، صص ۱۱۹-۱۴۲.

### ب) منابع انگلیسی

Austin, Henry ( ). NBC NEWS, Global Jihadis or al-Qaeda Wannabes: Who are the Islamic State of Iraq and the Levant? January . [http://worldnews.nbcnews.com/\\_news/global-jihadis-or-al-qaeda-wannabes-who-are-the-islamic-state-of-iraq-and-the-levant?lite](http://worldnews.nbcnews.com/_news/global-jihadis-or-al-qaeda-wannabes-who-are-the-islamic-state-of-iraq-and-the-levant?lite).

Associated Press ( ). Sja, Iraq Oil Controlled by Islamic State Group , September . <http://www.antimoneylaunderinglaw.com/islamic-state-who-finances-isis-and-bank-risk-factors-for-terrorist-financing.html> .

Balibar,E ( ). Europe as Borderland, The Alexander von Humboldt Lecture in Human Geography, University of Nijmegen.

Bunzel, Cole ( ) The Islamic state of disobedience: Al-Baghdadi triumphant, October . <http://www.jihadica.com/the-islamic-state-of-disobedience-al-baghdadis-defiance/>

Brenner, N ( ). Beyond State-Centrism? Space, territoriality, and Geographical scale in globalization studies, theor. Soc. .

- Brisard, Jean. Martinez, Damien ( ). Islamic State: The Economy-Based terrorist fanding, Reflect the official Policy or Position of Thomson Reuters.
- Clapham, C( ). Sovereignty and the Third World State, Political Studies.
- Creveld, Martin( ). the transformation of war, New York: the free press.
- Cowen, D. Gilbert, E ( ). The Politics of war. Citizenship, territory. In: Cowen, D. Gilbert, E. (Eds). War, Citizenship, territory. Rutledge. London
- Freeman, Colin ( ). Meet Abu Bakr al-Boghdadi, al-Qaeda's new poster boy for the Middle East, Januarry . <http://www.dnaindia.com/world/report-meet-abu-bakr-al-baghdadi-al-qaeda-s-new-poster-boy-for-the-middle-east>
- Fox, Jonathon ( ). are Middle East Conflicts more Religious? Middle East quarterly.
- Fukuyama, F ( ). State- Building: Governance and world order in the st century.
- Gordon, Gen. Col, James( ) Land Warfare in the century (Carlisle, Pa: strategic Studies Institute, U.S. army war college).
- Holton, R ( ). Globalization and the Nation-State, London: Macmillan Press Ltd.
- Gulmohamad, Zana Khasraw ( ). The Rise and Fall of the Islamic state of Iraq and Al-Sham (Levant) ISIS, Department of Politics, University of Sheffield, Global Security Studies, Vo. , Issue. .
- Kfir, Isaac ( ). Social Identity Group and Human (In) Security: The case of Islamic state in Iraq and The Levant (ISIL), Institute for national security and Counterterrorism, Syracuse university .
- Joscelyn, Tomas ( ). The long war Journal, Al-Qaeda in Iraq Al-Nusrah Front emerge as rebranded single entity, April . [http://www.longwarjournal.org/archives/ / /the\\_emir\\_of\\_al\\_qaeda.php](http://www.longwarjournal.org/archives/ / /the_emir_of_al_qaeda.php)
- Lia, Brynjar( ). Doctorines for Jihadi Terrorist training, Terrorism and Political Violence ( ).
- Mortada, Radwan ( ). Al-Qaeda leaks Baghdadi and Golani fight over the Levant Emirate, January . <http://english.al-akhbar.com/content/al-qaeda-leaks-baghdadi-and-golani-fight-over-levant-emirate>
- Moghadam, Assaf( ). How Al-Qaeda Innovates, security studies ( ).
- Washington Post ( ). ISIS just stole \$ million, Iraqi governor says, and became the world s richest terrorist group -, Jun .. <http://www.washingtonpost.com/news/morning-mix/wp/ / / /isis-just-stole- -million-and-became-the-worlds-richest-terrorist-group/>